

سازمان فرهنگی زنان کارآفرینی

گزارشی از چهارمین همایش کارآفرینی فرهنگی زنان

انجمن زنان مدیر کارآفرینان از بدو تأسیس به قصد توسعه شبکه زنان کارآفرینی هر سال پیرامون یکی از محورهای یا جنبه های مختلف کارآفرینی زنان - همایشی در سطح ملی برگزار می کند. سال نخست (۱۳۸۳) موضوع چالش های کارآفرینی زنان سال دوم (۱۳۸۴) راهکارهای توسعه کارآفرینی زنان و سال سوم (۱۳۸۵) کارآفرینی دانش آموزان دانشگاهی را انتخاب کرد. اهداف اصلی این همایش ها عبارتند از:

- ۱- کمک به ایجاد فضای تعامل - تبادل نظر و انتقال تجربه در جامعه زنان کارآفرین
 - ۲- شناسایی الگوهای موفق کارآفرین در تنوعی از موقیتهای مختلف سنی - صنفی - تحصیلی - جغرافیایی و انتشار تجارب آنها
 - ۳- طرح چالش ها و محدودیت های مرحله ایجاد و توسعه کسب و کار زنان کارآفرین
 - ۴- کمک به شناسایی فرصت های جدید کسب و کار و راهکارهای تحقق و شکل گیری آن در حوزه های مختلف برای زنان جوان به ویژه فارغ التحصیلان دانشگاهی
- چهارمین همایش با موضوع کارآفرینی فرهنگی زنان برگزار شد اما تنوع رشته ای در حوزه فرهنگ از یک سو و محدودیت زمان از سوی دیگر - کمیته علمی همایش را بر آن داشت تا به ۹ رشته این حوزه بسنده نماید. در این همایش که کارآفرینان در رشته های تئاتر - سینما - موسیقی و... حضور داشتند موضوع کارآفرینی فرهنگی زنان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در پایان بیانیه همایش نیز صادر شد.

فرهنگ سازی برای کارآفرینی به منظور رنج زدایی از جامعه جوان

در ابتدای همایش - دکتر اکرم منتظر الظهور - دبیر همایش و عضو هیأت مدیره انجمن زنان مدیر کارآفرین - اظهار داشت: فرهنگ حوزه فرابخشی است که در تمام اجزا و شئون زندگی بشر راه دارد و آنقدر عظیم و گسترده است که تمامی زندگی انسان را درگیر می کند - پس از چهارمین سال عمر انجمن زنان مدیر کارآفرین، تصمیم گرفتیم به مقوله کارآفرینی فرهنگی بپردازیم.

همانطور که می دانید تمام جوامع بشری توسعه یا عدم توسعه خود را مدیون فرهنگ جامعه خود هستند و تمامی عوارض اجتماعی که در بخش های مختلف از بی قانونی - بی توجهی به نظم - اعتیاد

- بیکاری و سایر مشکلاتی که در اجتماع شاهد هستیم، میتواند از جمله علل و عوامل فرهنگی باشد و موجبات آن زمینه های فرهنگی یک جامعه محسوب شود؛ به همین دلیل در انجمن زنان مدیر کارآفرین با توجه به مهمترین هدف خود یعنی فرهنگ سازی برای کارآفرینی به منظور رنج زدایی از جامعه جوان بر آن شدیم که با کمک گرفتن از اساتیدی که ما را یاری دادند - کارآفرینی فرهنگی را به عنوان یک موضوع مهم برای جامعه متمدن و فرهنگ دوست ایرانمان به خصوص در جامعه زنان که مادرانی هستند که کودکان خود را تربیت می کنند؛ مطرح کنیم و به همین دلیل با تلاش و همیاری تمام دوستان به این روز رسیدیم و بنا شد بحث کارآفرینی فرهنگی را ارائه دهیم و با کمک

نهادهای - الگوها و اسطوره هایی همچون خانم پری صابری و سایر اساتیدی که در جلسات مختلف امروز ما را همراهی می کنند - بتوانیم برای جوانان خود به خصوص جوانان فارغ التحصیل دانشگاهی و کسانی که عاشق فرهنگ سازی و کارآفرینی هستند زمینه ای را فراهم کنیم تا این رنج را از جامعه بزدا کنیم.

مفاهیم و تمایزات بخش فرهنگ

دکتر احمد مسجد جامعی - رئیس کمیسیون فرهنگی اجتماعی و زیست شهری شورای شهر تهران و عضو کمیته علمی همایش - بعنوان دومین سخنران اظهار داشت: در باب مفاهیم یک معنای اقتصاد فرهنگ و یک معنای اقتصاد فرهنگی وجود دارد. اقتصاد فرهنگ شاخه ای از اقتصاد

است که به تحلیل آثار مادی سیاست ها، برنامه ها، اقدامات و فعالیت های فرهنگی در قالب های کمی می پردازد. اقتصاد فرهنگی اقتصادی است که فرهنگ موتور محرکه آن می باشد. مثلاً شهری مانند مشهد، اقتصاد فرهنگی دارد اما همه حول محور گردشگری زیارتی و دینی جمع می شود یعنی ۱/۴ سفرهایی که در ایران انجام می شود به سمت مشهد است و در کنار این سفرهایی که انجام می شود آن شهر رونق اقتصادی دارد و مشاغل حول این محور شکل می گیرند. در تمام دنیا این امر مصداق دارد برای مثال در کشور اتریش - شهر وین - اقتصاد فرهنگی وجود دارد و حول محور موسیقی شکل گرفته است. در اقتصاد کالیفرنیا که یکی از ۵ اقتصاد برجسته دنیاست،

براساس فعالیت‌های سینمایی و هالیوود اقتصاد فرهنگی آن رونق و شکوفایی زیادی دارد. در حوزه نیروی کار در بخش فرهنگ، ۳ گروه نیروی کار مشاهده می‌شود:

۱- افرادی که در حوزه فرهنگ به فعالیت خلاق می‌پردازند و می‌توان گفت اشتغال خلاق در حوزه فرهنگ دارند، پدید آورنده هستند و با خلاقیت در حوزه فرهنگ سر و کار دارند.

۲- کارهای وابسته به فرهنگ که در حقیقت نویسنده آثاری را پدید می‌آورد و در چاپخانه چاپ می‌شود. بنابراین حوزه صنعت چاپ هم به این حوزه وصل می‌شود، صنعت چاپ البته به عنوان یک حوزه خلاق فرهنگی می‌تواند محسوب شود در آنجایی که به صورت تکرار پذیر نیست بلکه حالت نوآوری دارد. تصویری را یک هنرمند نقش می‌زند این پدیده هنری است اما زمانی که تکثیر می‌شود و در اختیار همگان قرار می‌گیرد در اینجا صنعت است که به کمک این حوزه می‌آید و فعالیت هنری را بسط می‌دهد.

۳- اشتغال در حوزه های فرهنگی مرتبط با امور فرهنگی، به هر حال برگزاری یک همایش فرهنگی در برگیرنده امور اداری، مالی و خدماتی هم هست.

همین حوزه ها هم تحت تأثیر فرهنگ هستند، در حقیقت حوزه پشتیبانی یک مجموعه فرهنگی با حوزه پشتیبانی یک مجموعه صنعتی تفاوت هایی دارد که در نوع کار و نوع پشتیبانی اثر می‌گذارد. در حوزه خلاقیت با یک ارزش افزوده محصول فرهنگی هم روبرو هستیم. مثلاً مجسمه میکل آنژ به جز یک قطعه سنگ ارزش فوق العاده ای ندارد آنچه به مجسمه ارزش می‌بخشد خلاقیتی است که در آن وجود دارد.

در حوزه صنایع فرهنگی هم می‌توانیم تعاریف فوق را بسط دهیم. در این حوزه ادبیات، موسیقی، تئاتر، سینما و هنرهای تجسمی وجود دارد. سینما بخش صنعتی هم دارد. در این حوزه صنایع میانی داریم که هنر خلاقیت در آن وجود دارد اما عنصر صنعتی وجه غالب آن می‌باشد مانند رادیو، تلویزیون، تبلیغات و سینما در این حوزه هم می‌تواند قرار بگیرد یا حوزه معماری و گردشگری حوزه هایی است که بسیار با فرهنگ و هنر آمیخته می‌باشد. نکته دیگر این که تعداد فروشگاه ها و موسسات فرهنگی، در حقیقت شاخص های کمی در حوزه اشتغال و کارآفرینی فرهنگ و هنر هستند که با این اطلاعات فضای گسترده را می‌توان مشاهده کرد. در سنت قدیم ما فرهنگ و هنر آمیخته با زندگی ما بوده است در حقیقت در هیچ خانه ای عدم حضور فرهنگ و هنر را نمی‌بیند. تمام خانواده های ایرانی با هنر فرش دستباف، خط، خوشنویسی، قالیبافی، مشاعره، شعرگویی، قرآن خوانی، تعزیه و... آمیخته هستند. در واقع جوهره فرهنگ در ایران با هنر آمیخته است و هنر جزء زندگی می‌باشد.

در ۵۲ رشته فرهنگی و دانشگاهی حدود ۴۰ هزار نفر در رشته هایی مانند هتلداری، معماری، نقاشی، موسیقی، سینما، تئاتر و... مشغول تحصیل هستند. در همین زمینه آموزش های رسمی دانشگاهی

هست که ۳۹ هزار و ۶۶۰ نفر در این حوزه ها به فعالیت می‌پردازند، دوره های آموزشی آزاد هم وجود دارد که بسیار گسترده می‌باشد. طرحی تحت عنوان "باغ های الوان" از فرش تا عرش، داشتیم به خصوص در هنر معناگرا که خلاقیت فردی هنرمند است و بسیار جذاب می‌باشد اما برای این امر کلاس های ویژه ای تعریف و تشکیل نشده است.

در سال ۱۳۸۲ براساس آمار، ۱۰ درصد کارگاه های کشور در حوزه فرهنگی و هنری فعالیت می‌کنند که به نظرم رقم بالایی است زیرا ۱۷ درصد در حوزه صنعت هستند که آلتیه عکاسی و کارگاه های خوشنویسی را در بر می‌گیرد.

فروشگاه های محصولات فرهنگی بسیار متنوع و گسترده است و بعضاً به عنوان فعالیت جنبی در کنار یک کار دیگر قرار می‌گیرد. از این جهت ارائه یک آمار مشخص در این زمینه دشوار است به خصوص که طبقه بندی در حوزه فروشگاه ها را هم یک مرکز رسمی اعلام نکرده است. اما فروشگاه های عرضه محصولات فرهنگی سقف ۲ هزار و ۲۰۰ مورد است.

در مورد موسسات فرهنگی چند منظوره هم حدود ۳ هزار موسسه وجود دارد که به عنوان موسسات فرهنگی چند منظوره به ثبت رسیده است و هر کدام از آنها ظرفیت های کاری متفاوتی را ایجاد می‌کند. یعنی می‌توان برای ۳ هزار موسسه یک ظرفیت متوسط ۵ نفر را تعریف کنید زیرا موسسه برای اخذ مجوز باید از حداقل هایی برخوردار باشد.

تعداد آموزشگاه های هنری و آموزشگاه های آزاد سینمایی، حدود ۳ هزار هستند که در نظر بگیرید هر کدام اینها در طول سال زمینه ای ایجاد می‌کنند که صد نفر وارد بازار اشتغال شوند. تعدادی از آنها مانند آموزشگاه های موسیقی مورد استقبال زیادی قرار می‌گیرند. در کشور آمار تولید کتاب حدود ۴۰ هزار عنوان است و شمارگان بالایی دارد. ظرفیت اشتغالی که این کار ایجاد می‌کند

به این مجموعه افزوده می‌شود. جایگاه کارآفرینی در برنامه توسعه اول تا چهارم را مورد بررسی قرار داده ام. در برنامه اول تقریباً هیچ پیش بینی راجع به کار آفرینی در حوزه فرهنگ و اشتغال در این حوزه وجود نداشت. در برنامه دوم تقویت آموزش های تخصصی در حوزه فرهنگ مورد

توجه قرار گرفت. در برنامه سوم بیمه اهل فرهنگ و هنر در نظر گرفته شد، صندوق حمایت از آثار فرهنگی - هنری و صندوق حمایت از هنرمندان و نویسندگان راه اندازی شد. در برنامه چهارم در این زمینه کار بیشتری انجام شد. طبق ماده ۱۰۴ دولت در باب افزایش اشتغال فرهنگی وظایفی دارد. طبیعتاً وقتی دولت روی حوزه های اشراف و تسلط پیدا می‌کند رقابت پذیری معنا ندارد و رقابت پذیری و خلق منابع جدید، مواردی بود که مورد توجه قرار گرفت.

برخی از مواردی که توجه به آنها می‌تواند منجر به توسعه اشتغال در این زمینه شود و یا شرایطی را فراهم کند که کار آفرین بتواند بر آن اساس فعالیت کنند و موانعی که در این راه است را ذکر می‌کنم. یک بحث دولتی بودن فرهنگ است، فرهنگ در کشور ما حساسیت مضاعفی دارد. اصحاب فرهنگ و هنر بعضاً به دلیل امنیتی که دولتی بودن فعالیت ها ایجاد می‌کند این بحث را ترجیح می‌دهند.

مسئله بعد توجه به زیرساخت هاست در شبکه تولید و توزیع باید کار کنیم به خصوص در حوزه توزیع. تجربه نشان داده کالای فرهنگی در ایران خریدار دارد اما در دسترس بودن و به نحو مناسب

در دسترس بودن مورد توجه کمتری قرار گرفته است. نگاه برنامه ریزان که اصولاً فرهنگ را غیر اقتصادی می‌دانند، نقطه ضعف برنامه کارآفرینی در حوزه فرهنگ است. فرهنگ کاملاً می‌تواند در یک کشوری مانند ایران، اقتصادی باشد به خصوص اینکه پیشنهاد وصل شدن به بازارهای جهانی را دارم و در این زمینه



دکتر مسجد جامعی:

برنامه اول تقریباً هیچ پیش بینی راجع به کار آفرینی در حوزه فرهنگ و اشتغال در این حوزه وجود نداشت. در برنامه دوم تقویت آموزش های تخصصی در حوزه فرهنگ مورد توجه قرار گرفت. در برنامه سوم بیمه اهل فرهنگ و هنر در نظر گرفته شد، صندوق حمایت از آثار فرهنگی - هنری و صندوق حمایت از هنرمندان و نویسندگان راه اندازی شد. در برنامه چهارم در این زمینه کار بیشتری انجام شد.

تجربیات بسیار ما هم بسیار به کمک آمده است. ظرفیت فرهنگ و هنر ما ظرفیت حضور جهانی را دارد. هرچا ایران هنر خود را عرضه کرده مقبولیت داشته است. دقت کنید که فرهنگ فنی ایران با همه سوابق درخشانی که دارد در بازارهای جهانی می‌تواند برای ما موفقیت آمیز باشد.

در دنیا کم مسأله ای نیست که بر سر ایرانی بودن یا نبودن مولوی بحث می‌شود. این یک سرمایه است. یک ملت می‌تواند خودش را بر اساس یک شخصیت بسازد و ما از این شخصیت ها در تاریخ و فرهنگ و تمدن خود بسیار داریم. این موارد ایران را در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر متمایز ساخته است و این ظرفیت در قالب فرهنگ و هنر می‌تواند خودش را نشان دهد. حتی اگر بخواهیم اقتصاد ما رونق پیدا کند باید با این بحث همراه شویم به همین دلیل فرش دستباف برای ما جنبه اقتصادی دارد اما به این دلیل در جهان پذیرفته شده و جایگاه مهمی دارد که فرهنگ و هنر و باورهای ایران را منتقل می‌کند. پس از اتمام سخنرانی های ابتدایی، ارائه تجربیات در حوزه فرهنگ آغاز شد.

تجربه کارآفرینی در تئاتر: پری صابری

در خردسالی با هجرت خانواده به آن سوی آبها رفت، در مسیر رشد با هنر آشنا شد و به عرصه نمایش روی آورد. به قصد بازگشت به وطن آگاهانه خود را به علم و مهارت تجهیز کرد و در بازگشت با عبور از مسیر سینما، حوزه تئاتر را برگزید و به رغم چالش های زمان ورود، از خود عنصری حرفه ای در تئاتر ایران ساخت. اینک نیز که در هفتمین دهه زندگی خود قدم نهاده، هم چنان خود را مدیون فرهنگ و جامعه ایرانی می‌داند.

کودکی در شعر و ادب

در تهران متولد شد. در دوران کودکی با فرهنگ غنی شعر و ادبیات ایران توسط مادر آشنا شد. وی گفت: داستان رستم و سهراب را بارها شنیده بودم و باز از مادر می‌خواستم که برایش تعریف کند. در خردسالی و به خاطر کار پدر، راهی فرانسه شد. وی نیمه دوم تحصیلات متوسطه خود را در آن جا گذراند، او درباره مهاجرت اظهار داشت: احساس می‌کردم ار فضایی آشنا که همه آدم ها، زبان و آداب و رسومش را می‌شناختم وارد دنیای ناشناخته ها شده ام و درد غربت را عمیقاً احساس می‌کردم. برای اینکه زودتر با زبان فرانسه آشنا



پری صابری

این منحصر به ایران نیست هر کشوری برای خود موازینی دارد که کارگردان باید پایبند آنها باشد من نیز عموماً بسیار حساب شده کار می‌کنم ولی در بسیاری موارد سلیقه افراد نیز در نظارت‌ها وارد می‌شود و کار را مشکل می‌کند.

خانم صابری برنامه‌های متعددی برای آینده دارد و قصد دارد دستی هم در سینما برده و فیلمی را کارگردانی کند. در حوزه تئاتر نیز می‌خواهد پس از ارائه چندین اثر تراژدی چون رستم و سهراب و داستان شمس و مولانا، به حوزه کمدی وارد شود و داستانی از ملانصرالدین را به روی صحنه آورد. وی گفت: در تئاتر کشور ما کار قوی بر روی مضامین کمدی نشده است خندانند مردم کار آسانی است اما اینکه بتوان اندیشه را به تحرک واداشت به نحوی که فرد از ظرافت‌های اندیشه بخندد کار ساده‌ای نیست. هر آفریده‌ای که اسم انسان را با خود حمل می‌کند برای کاری خلق شده است و هیچ کس بی حاصل به این جهان نیامده است بلکه هر کس به دنبال تحقق رویای وجودی خود است از این رو افراد باید رویای خود را بشناسند و آن را دنبال کنند، رویاها حدو مرز ندارند و انسان را تا بی نهایت می‌برند.

او خود را مدیون فرهنگ و جامعه عنوان و تصریح کرد: می‌کوشم تا از طریق شناساندن فرهنگ ایران به جهانیان، بدهی خود را به این کشور اعطا نمایم. وی در تمام این سال‌ها رویای شناخت آدمی را دنبال نموده و تاکنون توانسته با اجرای نمایشنامه‌های منحصر به فرد بسیاری اسطوره‌های ملی این مرز و بوم را به مردمانش بازشناساند.

تجربه کارآفرینی در عکاسی

معصومه نور محمدی - مؤسس آتلیه عکاسی در نهبندان - یکی از جوانترین کارآفرینان این همایش بود که با امکانات و سرمایه صنعت کار خود را در یکی از شهرهای محروم ایران آغاز می‌کند و در حال حاضر مدیر یک آتلیه عکاسی است. از دوازده سالگی که پدر را از دست داد، طعم مسئولیت را مزه کرده‌اندگشتان کوچکش با نوازش دار قالی در روستا درآمد ساخت، اما در دیاری محروم

آن سالن‌ها را رایگان بودن آنها دانست و گفت: این مراکز فرهنگی از آنجا که می‌خواستند رونق داشته باشند سالن‌ها را به رایگان در اختیار گروه قرار می‌دادند و از طریق فروش بلیط می‌توانستیم هزینه اجرا را فراهم کنیم. از نظر وی هم اکنون که همه امکانات در اختیار نهادهای مختلف است کار بسیار سخت‌تر شده و اگر کسی بخواهد به این حوزه وارد شود نیاز به حمایت دولتی دارد. گروه پاسارگاد که کارنامه درخشانی در حوزه تئاتر داشت پس از ۱۰ سال به کار خود پایان داد. خانم صابری پس از آن به عنوان مسئول امور فرهنگی فوق برنامه فعالیت خود را در دانشگاه تهران آغاز کرد. وی در همان دوران نسبت به ساخت تالار مولوی (که هم چنان پس از گذشت ۳۵ سال از مدرن‌ترین سالن‌های تئاتر کشور است) اقدام نمود.

نگاه به آینده

او همواره از آغاز و در اولین اجراهای کاری خود نیز با موفقیت روبرو شد و توانست علاقه مندانی را جذب نماید. اما اوج دوران رونق وی را می‌توان بعد از انقلاب دانست. خود در این باره گفت: با رجوع به فرهنگ و متون غنی که ریشه در تمدن اسلامی و ایرانی داشتند پا به مرحله جدیدی گذاردم. هر چند دغدغه این مسأله از قبل نیز با او همراه بود اما تا قبل از انقلاب به علت مشغله فراوان فرصت نداشت تا با خود خلوت کرده و بر روی داستان‌های اصیل ملی مطالعه نماید.

او ادامه داد: در زمان اجرای نمایشنامه‌های خارجی همیشه این احساس با من بود که در حال تمرین حرفه خود هستم و برای این که تمرین‌ها به مرحله عمل درآید لازم بود تا قادر باشم از زبان خود سخن بگویم و از روزی که به فرهنگ خود روی آورده و با این زبان سخن گفتم استقبال و پشتیبانی مردم از کارهایم روز به روز بیشتر شد.

به باور وی کار کردن در ایران بسیار دشوار است. خانم صابری عمده‌ترین چالش دوران کنونی را سلیقه‌ای عمل کردن مسئولان عنوان کرد و گفت: من به عنوان یک شهروند ایرانی می‌دانم که برای اجرای نمایش‌هایم چه موازینی را چه در کلام و چه در نوع برخورد بازیگرها باید رعایت کنم و

در سال ۱۳۴۲ به همراه همسر و فرزندش به وطن بازگشت. وی تصریح کرد: هر چند در آن زمان زندگی راحتی در پاریس داشتیم و برای همسر که از دانشجویان برجسته پزشکی بود پیشنهادت کاری فراوانی در آمریکا وجود داشت اما به خاطر علاقه فراوان به کشورم تصمیم به بازگشت گرفتم و همسر نیز مرا همراهی کرد. وی برای شروع کار در حوزه سینما به وزارت فرهنگ آن زمان مراجعه کرد اما از آنجا که فضای حاکم بر سینما در آن دوران چندان مساعد نبود به تشویق وزیر وقت به حوزه تئاتر وارد شد. خانم صابری گفت: ابتدا در چند کار سینمایی به عنوان بازیگر ایفای نقش کردم اما فضای غالب حاکم بر سینما بسیار مرا آزد و احساس کردم که نمی‌توانم در آن شرایط به کار ادامه دهم. وی اصلی‌ترین چالش خود را برای ورود به حوزه تئاتر اثبات خود به عنوان یک کارگردان حرفه‌ای دانست و افزود: چون جوان بودم و تازه از فرنگ بازگشته بودم عموماً با چشم جنسیتی به من نگاه می‌کردند و نه دید حرفه‌ای و اکثراً نمایشنامه‌های بسیار ساده‌ای برای اجرای به من پیشنهاد می‌شد حال آنکه گرایش من به اجرای نمایشنامه‌های مشکل بود. در ابتدای راه و طی تلاشی بی وقفه وی توانست راه خود را به عنوان یک کارگردان حرفه‌ای باز نموده و همکارانش را به همراهی و تبعیت ترغیب نماید.

پس از بازگشت به ایران و برای آغاز کار به همراه جمعی از دوستان گروه تئاتر پاسارگاد راه‌اندازی کرد. آنها برای راه‌اندازی گروه مبلغ ۵۰ هزار تومان جمع‌آوری کردند که برای آن زمان مبلغ بالایی بود و گروه را قادر می‌ساخت تا به صورت خودکفا اداره شود.

خانم صابری در مورد تئاتر آن دوران اظهار داشت: وضع تئاتر در آن زمان بسیار تأسف بار بود. هیچ سالن نمایش داخلی وجود نداشت و هنرپیشه‌های طراز اول تحت شرایط بسیار دشوار کار می‌کردند. در آن زمان هیچ کس برای اجرای تئاتر بلیط نمی‌فروخت بلکه انتظار می‌رفت که تماشاگران برای دیدن نمایش افتخار دهند. او اولین فردی بود که برای اجرای تئاتر خود به نام کرک هویج در مرکز فرهنگی ایران و فرانسه بلیط فروخت و استقبال فراوانی نیز از نمایش وی به عمل آمد.

وی ادامه داد: در آن دوره سالن تئاتر مناسبی وجود نداشت و متأسفانه اکثر سالن‌های خوب مربوط به مراکز فرهنگی دیگر کشورها بود. وی مزیت

شود، به پانسیون رفت و از همان روز اول با آنکه زبان فرانسه را نمی‌دانست وارد مدرسه شد. تطابق با فرهنگ و زبان جدید دوران دشواری بود. چرا که برای انجام دادن امور عادی ناچار بود انرژی بسیاری صرف کند. او تجربیات آن دوران را بسیار آموزنده دانست و افزود: به خود گفتم حال که سرنوشت تو را به ایجا آورده و فعلاً امکان بازگشت وجود ندارد؛ باید پیش رفت و حق در جازدن نداری.

خانم صابری در مدارس فرانسه به طور جدی با هنر آشنا شد. فرانسوی‌ها در تربیت هنری بسیار سخت‌گیر بودند و ما را وادار به دیدن نمایشنامه‌های کلاسیک و شنیدن موسیقی‌های کلاسیک می‌کردند. رویکرد آنان باعث شد سلیقه و سطح توقع خاصی نسبت به هنر در من پدید آید. وی پیدا کردن نظم بندی ذهنی را از دیگر عوامل مثبت دوران تحصیل خود دانست.

پس از پایان دبیرستان و به تشویق یکی از دوستان در مدرسه عالی تکنیک سینما و عکاسی ثبت نام کرد. وی در این باره گفت: هر چند گرایش بسیاری به هنر داشتم اما به خاطر احترام به خواست پدرم که دوست داشت طبیب شوم، نسبت به ورود به حوزه هنر مردد بودم. پدر مخالفت چندانی با حضور من در مدرسه سینما نشان نداد و تنها نگرانی خود را از آینده اقتصادی آن عنوان کرد.

حضور وی در مدرسه سینما، باعث افزایش علاقمندی او به این حوزه شد. پس از پایان دوره کارگردانی سینما به حوزه تئاتر وارد شد، خود علت این تغییر رشته را چنین عنوان کرد: در پایان دوره و برای تهیه پایان‌نامه ام و ساخت یک فیلم کوتاه متوجه شدم که تمام تکنیک‌های کارگردانی را از جمله نحوه کار با دوربین، چیدمان صحنه، فضا و... به خوبی فرا گرفته‌ام اما مشکل اصلی من در برقراری ارتباط با انسان‌ها بود. به عقیده وی نمی‌توان بدون داشتن شناخت درست از افراد آنها را اداره کرد و از همین رو است که بازیگرها در مقابل کارگردانان ماهر می‌درخشند و در مقابل کارگردان‌های ضعیف خاموش می‌شوند.

خانم صابری ادامه داد: احساس کردم نمی‌توانم به خوبی از عهده بازیگران برآیم و برای رفع این نقیصه به وادی تئاتر وارد شدم. هر چند او با انگیزه‌اش با بازیگرها به حوزه تئاتر وارد شد اما این حوزه را چنان جذاب یافت که تاکنون در آن باقی مانده است.

گشایش راه

پری صابری:

هر آفریده‌ای که اسم انسان را با خود حمل می‌کند برای کاری خلق شده است و هیچ کس بی حاصل به این جهان نیامده است بلکه هر کس به دنبال تحقق رویای وجودی خود است از این رو افراد باید رویای خود را بشناسند و آن را دنبال کنند، رویاها حدو مرز ندارند و انسان را تا بی نهایت می‌برند.

و در رویای نوجوانی به هنر عکاسی پشم دوخت. او مسیر را آنچنان هموار ساخت تا سرانجام آتلیه عکاسی خود را در نهبندان از توابع خراسان جنوبی بنا ساخت.

عبور سریع از کودکی

در سال ۱۳۶۰ در یکی از روستاهای اطراف نهبندان و در خانواده ای صاحب هشت فرزند متولد شد. وی تحصیلات ابتدایی خود را در روستا گذراند و پس از آن به بیرجند رفته و تحصیلاتش را در شهر ادامه داد. او در بیرجند مدتی ساکن منزل خواهر بزرگترش بود و پس از آن در اقامتگاه کمیته امداد اقامت گزید. او گفت: در زمان تحصیل تابستان‌ها در شهر می‌ماندم و به کلاس‌های فنی و حرفه‌ای می‌رفتم. در سال ۱۳۷۰ پدرش فوت کرد. این حادثه سبب شد تا وی نتواند تحصیلات خود را تا به نحو دلخواه ادامه دهد و از رفتن به دانشگاه بازماند. پس از فوت پدر، عمده مخارج خانواده را مادر و خواهرش از طریق فرشبافی تأمین می‌کردند، وی هم تابستان‌ها به روستا می‌رفت و در فرشبافی به آنان کمک می‌کرد اما پس از چندی بنیایی مادرش ضعیف شد و خواهرم نیز دستش را عمل کرد و فشار اقتصادی به خانواده افزایش یافت. خدمات جسمی که در پی فرشبافی به خانواده اش وارد شد، سبب شد تا او از ادامه این کار منصرف شود و تصمیم بگیرد در شهر بماند و حرفه مورد علاقه خود را دنبال کند.

پس از گذراندن دوره های عکاسی در فنی و حرفه‌ای از سال ۱۳۸۰ به عنوان شاگرد در یک آتلیه عکاسی شروع به کار کرد. وی در این مورد گفت: شش ماه پیوسته در یکی از عکاسی‌های شهرستان بیرجند بدون دریافت دستمزد کار می‌کردم. در آن مدت کارهایی مثل گرفتن عکس، روتوش و چاپ کردن را یاد گرفت و پس از آن در دوره‌های دیگری چون کامپیوتر و آرایشگری که برای رتوش عکس و طراحی مفید بود، شرکت جست.

در صحنه کسب و کار

پس از دو سال تصمیم گرفت که خود آتلیه عکاسی تأسیس کند و برای تأسیس آتلیه عکاسی از بیرجند به نهبندان نقل مکان کرد. وی گفت: از آنجا تا پیش از آن تجربه تنها کار کردن را نداشتم ابتدا تصمیم گرفتم برای راه اندازی آتلیه با یک نفر شریک شوم، ولی توقع آن فرد از شراکت این بود که من به عنوان کارمند برایش کار کنم، از این رو با توکل به خدا تصمیم گرفتم به تنهایی آتلیه را دایر کنم. برای تأسیس آتلیه از کمیته امداد درخواست وام کردم اما از آنجا که زمان طولانی باید منتظر می‌ماند، جداگانه اقدام نموده و از طریق اداره کار یک میلیون تومان وام خود اشتغالی دریافت نمود، او نیمی از این مقدار را در بانک پس انداز نمود و پس از چند ماه برای خرید وسایل از روی کار کرد حساب توانست پانصد هزار تومان دیگر وام بگیرد. پس از چندی و با پیگیری فراوان موفق به دریافت وام از کمیته امداد شده و از روی آن اقساط وام بانک را پرداخت.

وی ادامه داد: در سال اول با مشکلات زیادی روبرو بودم، شرایط به قدری سخت بود که حتی

در روز ۲۰۰ تومان درآمد نیز نداشتم و کرایه آتلیه را نیز از محل وام‌ها می‌پرداختم. برای رونق بخشیدن به کسب و کار نسبت به تهیه یک دستگاه کامپیوتر، فتوکپی و دوربین دیجیتال اقدام نمود. هزینه تأمین وسایل از پس اندازی که در بانک داشت به اضافه اخذ وام جدید فراهم شد. وی گفت: با راه اندازی بخش کامپیوتر اوضاع آتلیه بهتر شد و مشتریان زیادی جلب کردیم و پس از گذشت یک سال و نیم کار آتلیه خوب شد. برای جذب مشتریان وی عکس‌های کامپیوتری را با قیمت کمتر گرفته و یک عکس نیز به عنوان هدیه به هر مشتری اهدا می‌کرد. از طرفی با کارت ویزیتی که برای خود تهیه نموده بود طرفداران بسیاری یافت به نحوی که افراد زیادی برای طراحی کارت ویزیت و کارت عروسی به وی مراجعه کردند. او دلیل اصلی رونق گرفت کارش را بالا بودن کیفیت کار دانست و افزود: در ابتدای تأسیس آتلیه، خانم‌ها برای گرفتن عکس به آتلیه ما مراجعه می‌کردند و همسرانشان به عکاسی دیگری که پائین تر است مراجعه می‌کردند اما با مقایسه کیفیت دو عکس، کم‌کم مردان نیز با به آتلیه ما روی آوردند. وی افزود: در حال حاضر تمام پرسنل نیروی انتظامی مشتری ما هستند.

کند و برای دوماه نیز مکانی در کنار آتلیه خود اجاره کند اما از آنجا که هنوز وام مربوطه به تجهیزات اخذ نشده هم اکنون خواهرش در آتلیه در کنار او مشغول به کار است. برادر وی در ابتدای کار در آتلیه با او همکاری می‌کرد پس از مدتی او از طریق دریافت وام برای برادرش یک ماشین تهیه کرد اما چندی پیش به دلیل بستری شدن برادر که ناشی از تصادف سنگین بود، مخارج وی و تعمیر ماشین به دوش او افتاد به علاوه هم اکنون وی شهریه دانشگاه آزاد برادر دیگر خود را نیز می‌پردازد.



معصومه نور محمدی:

افرادای که به حوزه کسب و کار قدم می‌گذارند علاوه بر حمایت‌های مالی به برخی حمایت‌های مشورتی نیز نیاز دارند. وی به نهادهای حامی پیشنهاد کرد تا با بررسی مشکلات خانواده‌ها افراد مستعد را شناسایی کرده و از هر کس در حد توان خود حمایت کنند.

های مختلف در پیشرفت کار خلل ایجاد شود. به علاوه اداره اماکن نیز نسبت به این مسأله حساس بودند و می‌گفتند مردها نباید در آن رفت و آمد کنند. او پیگیری مداوم را عامل موفقیت خود دانست و افزود: تلاش کردم تا تک تک بهانه‌ها را رفع کرده و کار را پیش ببرم. از طرف دیگر خانواده نیز نسبت به کسب و کار وی نگران بودند و در ابتدای کار با او مخالفت می‌کردند و می‌گفتند از پس این کار بر نمی‌آید. وی اعتماد به نفس و پشتکار خود را دلیل اصلی موفقیتش عنوان و تصریح کرد: می‌دانستم که از پس انجام این کار بر می‌آیم اما دعای مادرم نیز همیشه پشتوانه ام است.

پس از موفقیت آتلیه عکاسی دشواری‌های قانونی کم شد به طوری که هنگامی که برای اخذ مجوز پروانه کسب دفتر خدمات کامپیوتری به سازمانه های مربوطه مراجعه می‌کرد با مشکلی مواجه نشد. وی گفت: از آنجا که نتیجه کار اول موفقیت‌آمیز بود ادارات زیربسط برای کار جدید از من حمایت کردند. وی در حال حاضر در حدود ۹ ساعت در آتلیه و ۴ ساعت در منزل کار می‌کند و گفت: علاقه بسیاری به کار کردن دارم و برای به روز کردن دانش خود دارم، مدام CD ها و کتاب‌های آموزشی را مطالعه می‌کنم چون در شهرستان ما کلاس‌های تخصصی برگزار نمی‌شود. او تصمیم دارد تا در مسیر توسعه نسبت به طراحی شیوه‌ای نو در کسب و کار شامل یک آتلیه مجهز با تمام امکانات پیشرفته و پرسنل خانم اقدام کند. وی هم اکنون از اعضای هیأت مدیره اتحادیه عکاسان نهبندان است اما جنسیت مانع از انتخابش به عنوان رئیس اتحادیه شده است.

او خاطر نشان ساخت: افرادی که به حوزه کسب و کار قدم می‌گذارند علاوه بر حمایت‌های مالی به برخی حمایت‌های مشورتی نیز نیاز دارند. وی به نهادهای حامی پیشنهاد کرد تا با بررسی مشکلات خانواده‌ها افراد مستعد را شناسایی کرده و از هر کس در حد توان خود حمایت کنند. او گفت: انجام برخی کارها به تنهایی ساده نیست ولی چنانچه خانم‌ها در گروه‌های چند نفره جمع شوند می‌توانند کسب و کار موفق‌تری ایجاد کنند. او معتقد است خانم‌های زیادی هستند که توانایی انجام کارهای متعدد و ایجاد کسب و کار را دارند ولی جرأت ورود به این حیطه را ندارند؛ از این رو مشاوره و راهنمایی می‌تواند مثبت بوده سبب

او گفت: در حال حاضر ماهانه حدود ۵۰۰ هزار تومان قسط می‌دهد که بخشی از آن مربوط به اجاره و بخش دیگر قسط وام است.

همراه با چالش‌ها

فرایند اخذ مجوز تأسیس عکاسی برای او دشوار بود. او در این مورد گفت: در نهبندان خانم‌ها به دنبال تهیه پروانه کسب نمی‌رفتند و این مسأله اصلاً جا نیفتاده بود. وی افزود: اکثر مخالفان به خاطر عدم باور به توانایی من بود و می‌گفتند این کار شدنی نیست و از این رو سعی می‌شد به بهانه

با بهبود اوضاع آتلیه و در مهر ماه ۱۳۸۵ او مادر خود را نیز از روستا به نهبندان می‌آورد در حال حاضر او مادر و سه خواهر و برادر خود را نظر مالی پشتیبانی می‌کند. چندی است که در دانشگاه علمی کاربردی ثبت نام کرده و هزینه تحصیل خود را می‌پردازد.

خواهر او چندی پیش ازدواج کرد و مسولیت تهیه جهیزیه به عهده وی بود، علاوه بر آن برای خواهرش نیز پروانه کار گرفته است. او قصد دارد برای خواهرش دفتر خدمات کامپیوتری تأسیس

افزایش جرأت آنان شود. وی در پایان اضافه کرد: امیدوارم روزی را ببینم که خانمها دست کم گرفته نشوند و ما را باور کنند.

تجربه کارآفرینی در موسیقی

دکتر ملیحه سعیدی - آهنگساز، نوازنده و موسس موسسه فرهنگی هنری باغ نغمه‌ها - به عنوان سخنران بعدی، سخنان خود را آغاز کرد. از کودکی آهنگ رفتن را در متن هنر سر داد و حس شیرین جوانی را با موسیقی مأنوس ساخت. با سعی و شور آهنگسازی مبدع و نوازنده ای زبده شد و از هنرش نهاد ساخت.

از کودکی تا جوانی

در سال ۱۳۲۷ در خانواده ای فرهنگی متولد شد. پدرش اهل شعر و ادبیات و مادرش نیز که مدیر و معلم مدرسه بود از جوانی ویلون می نواخت. وی از چهار سالگی به یادگیری موسیقی و اجرای برنامه در تلویزیون به همراه خواهر و برادرهایش پرداخت. بعد از دوران ابتدایی وارد هنرستان موسیقی ملی شد و کار موسیقی را به طور جدی از آن زمان آغاز کرد. ساز تخصصی وی در دوران هنرستان ویلون کلاسیک و ایرانی بود و در همان زمان ساز قانون را نیز به صورت حرفه ای فرا گرفت. در مورد علت روی آوردنش به حیطه موسیقی گفت: من به این هنر بسیار علاقمند بودم و خانواده نیز با فرستادن من به هنرستان موسیقی، مسیر هنر را برایم مهیا کردند.

وی در مورد علاقه خود به فراگیری و نواختن ساز گفت: در آن زمان روزی یک تومان می گرفتم که پنج ریال آن بابت غذا و چهار ریال نیز برای اتوبوس جهت ایاب و ذهاب هزینه می شد و یک ریال باقی می ماند. من این یک ریالی ها را جمع می کردم و به بابای مدرسه می دادم که اجازه دهد تا ساعت ۷-۸ شب که مدرسه باز است آنجا مانده و به تمرین بپردازم چرا که در خانه ساز قانون نداشتم. وی برای تهیه هزینه کپی نت ها گاه از هزینه غذا یا اتوبوس صرف نظر میکرد، چرا که به گفته خود نمی خواست در حق خانواده اش اجحاف نماید.

از ۱۶ سالگی به کسب در آمد از طریق تدریس و نوازندگی پرداخت و به جای استاد خود، ساز قانون را در هنرستان می نمود.

در سال ۱۳۴۸ نخستین ساز قانون خود را تهیه کرد. در آن زمان چون ساز قانون در ایران وجود نداشت؛ سفارش داد از یک کشور عربی ساز را وارد کنند. ساز قانون که به زعم وی ساز اصیل

ایرانی است و از زمان حضور اعراب در ایران به آن کشورها رفته بود، تنها با اسلوب عربی و ترکی نواخته می شد. دکتر سعیدی در این مورد گفت: من بیشتر دوران زندگی ام را بر روی تخصصم گذاشتم و سعی کردم تمام توانایی های نهفته در وجودم را به کار گیرم تا به هدفی که برای خود تعیین نموده بودم دست یابم. از همین رو هر چند نزد استاد، نواختن موسیقی عربی را با ساز قانون فرا

۱۹ سالگی کار رسمی خود را به عنوان محقق در تلویزیون ملی ایران آغاز کرد.

دکتر سعیدی، فعالیت خود را با تدریس موسیقی و نوازندگی ادامه داد. پس از انقلاب به مرحله جدیدی از فعالیت حرفه ای خود قدم گذاشت. او در این باره گفت: در ابتدای انقلاب که موسیقی در حال رکود بود و تمام هنرستان ها و گروه های موسیقی تعطیل شده بودند فرصت خوبی برای

و با تبدیل انبار منزل خود به کارگاه توانست هزینه تغییر ساز و نیز چاپ کتاب اولش را که در همین رابطه بود تأمین کند. او در این باره گفت: با مبلغی که توسط فروش وسایل تهیه کردم به جای این کار می توانستم یک خانه ۳ طبقه را خریداری کنم اما امروز از بابت راهی که انتخاب کردم بسیار خرسندم و اگر زمان دوباره به عقب بازگردد باز همان راه را انتخاب خواهیم کرد.

همسر وی که در ابتدا بسیار با کار کردن وی مخالفت می نمود وقتی پافشاری و علاقه وی به کار را دید خود نیز با او همراه شد و در طراحی ساختار ساز کمک بسیاری به او کرد. در سال ۱۳۷۰ وی نسبت به راه اندازی آموزشگاه موسیقی اقدام نموده پس از چندی از آنجا که مسئولیت مدیریت هنرستان موسیقی دختران را به عهده گرفت آموزشگاه را تعطیل کرد و دوباره پس از ۵ سال با خرید منزل مادری خود از خواهر و برادرهایش موسسه باغ نغمه ها را در آنجا دایر نمود. دکتر سعیدی هم اکنون در موسسه فرهنگی - هنری باغ نغمه ها علاوه بر آموزش موسیقی به تولید و انتشار لوح فشرده می پردازد. در ضمن در کارگاه ساز سازی با مدیریت فرزندش (مهندس علیرضا ستوده) نیز فعالیت می کند.

به باور او یکی از دلایل وارد نشدن خانمها در سطوح بالای بخش موسیقی آن است که این کار به نسبت تلاش و کوشش بسیار، بازدهی مالی چندانی ندارد. دکتر سعیدی در این مورد گفت: از این که می بینم در حال حاضر ساز قانون را همه می شناسند بسیار خشنودم. وی افزود: هر چه موانع بیشتر باشد انسان هدفمند تلاش بیشتری می کند و پایداری و ایستادگی من در این مسیر از این رو بوده که هدف خود را از زندگی می دانم و در راه رسیدن با آن تلاش می کنم. به عقیده او اگر کسی رأس قله را هدف قرار دهد و در راه رسیدن به آن تلاش کند حتما موفق به فتح قله خواهد شد.

دکتر سعیدی افزود: برای ارائه کار خوب، فرد باید اطلاعات تخصصی در زمینه کاری خود داشته باشد تا مهارت لازم را کسب کند. به باور او کسانی که اهداف بزرگی در زندگی خود دارند علاوه بر در نظر گرفتن جنبه های ظاهری کسب و کار به ابعاد معنوی آن نیز می اندیشند و از این رو با عزم بیشتری گام برمی دارند.

وی در زمینه موسیقی فولکور، موسیقی ملی کلاسیک ایران، تک نوازی جهت ساز قانون و موسیقی کودک آثاری خلق نموده و روشی نو ابداع کرده تا کودکان و جوانان این مرز و بوم با موسیقی اصیل ایرانی آشنا شوند. این آثار سبب شد تا وی به دریافت دکترای افتخاری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نایل شود. دکتر سعیدی تاکنون علاوه بر خلق موسیقی، چندین کتاب نیز در حرفه خود به چاپ رسانیده است.

تجربه کارآفرینی در سینما

طوبی، ترکس و روسری آبی، یادآور یک نام است از رخشان بنی اعتماد یکی از کارگردانان سینمای ایران - وی نیز در این همایش جز سخنرانان بود که به علت بیماری به صورت نشست سخنان خود

ادامه کارهای تحقیقاتی مهیا شد. وی پس از چندی برخی از تحقیقات خود را به چاپ رساند. او در سال ۱۳۶۵ اولین نوار خود را با نام "تک نوازی دلنوا" به بازار ارائه نمود و هزینه اولیه تهیه نوار از محل حقوق استخدامی خود پرداخت کرد. در آن زمان بود که مسیر فعلی اش تعیین شد و تصمیم گرفت یک گروه موسیقی دایر کند.

گام های توسعه

از آنجا که تمام گروه های موسیقی در ابتدای انقلاب تعطیل شده بودند و با توجه به اینکه او آهنگ نیز می ساخت تصمیم گرفت تا با به کار گیری جوان های با استعداد آثار موسیقی را با کیفیت برتر تهیه و ارائه کند به همین منظور در سال ۱۳۶۸ گروه موسیقی تبریز را تشکیل داد و خود سرپرستی گروه را برعهده گرفت. به گفته وی برای تشکیل گروه موسیقی به سرمایه چندانی نیاز نبود و پس از اجرای برنامه ها، درآمد حاصله را میان اعضا تقسیم نمود. در همان دوران او تصمیم گرفت ساز قانون را به اسلوب ایرانی برگرداند. از این رو بر آن شد تا با ابداع امکاناتی بر روی ساز آن را به نحوی تنظیم کند تا نوای ایرانی از آن خارج شود.

دکتر سعیدی در این باره گفت: برای احیای نوای ایرانی با این ساز هزینه ای زیادی لازم بود و نتیجه کار از پیش مشخص نبود چرا که امکان داشت کار به موفقیت نینجامد ولی به هر حال چون امید بسیاری داشتم در این راه قدم گذاشتم. او برای تأمین هزینه اتومبیل و برخی دیگر از ابزار و وسایل خود شامل ویلون، تنبک و پیانو را به فروش رساند



دکتر ملیحه سعیدی

برای ارائه کار خوب، فرد باید اطلاعات تخصصی در زمینه کاری خود داشته باشد تا مهارت لازم را کسب کند. به باور او کسانی که اهداف بزرگی در زندگی خود دارند علاوه بر در نظر گرفتن جنبه های ظاهری کسب و کار به ابعاد معنوی آن نیز می اندیشند و از این رو با عزم بیشتری گام برمی دارند.

را بیان کرد.

با گذشت از دوازده بهار، حس مسئولیت را با تدریس خصوصی در متن زندگی جاری ساخت. با نوشتن خو گرفت اما تصویر را برای جامعه گویاتر یافت. مسیر پر فراز و نشیبی پشت سر نهاد و به عنوان نخستین زن کارگردان در پیوند با بخش خصوصی اقدام به ساخت فیلم بلند داستانی نمود. او تاکنون ۱۱ فیلم سینمایی و ۹ فیلم مستند به جامعه ایرانی ارزانی داشته و از خود چهره ای خوش نام ساخته است.

همراه با او

حیات خود را از سال ۱۳۳۳ آغاز کرد و. کودکی را در محله نارمک تهران گذراند. وی اظهار داشت: نوشتن را بسیار دوست داشتم و بیشتر از آن خواندن را. عشق به خواندن در من به حدی بود که تندخوانی را تمرین می کرد تا قادر باشم با مبلغی که برای کرایه کتاب در اختیار داشتم، در روز چندین مجله و کتاب کرایه کنم، عادت تندخوانی از آن زمان در من باقی است و هنوز از آن بهره می برم.

علاقه خانم بنی اعتماد به خواندن و نوشتن سبب شد تا نسبت به انتخاب رشته ادبی در دبیرستان

به علت اهمیتی که کار کردن برایم داشت استخدام شدن در تلویزیون را انتخاب کردم و از آنجایی که پذیرفته شدن در دانشگاه به دشواری امروز نبود با خود فکر کردم پس از چندی دوباره امتحان خواهم داد و به دنبال رشته ای که دوست دارم خواهم رفت اما حساسیت اجتماعی-سیاسی که از سنین کودکی با او همراه بود و به تعبیر وی سبب شده بود اکثر نوشته های دوران جوانی اش رنگ و بوی اعتراض بگیرند تصویر را گویاتر از نوشته ها یافت و چنان به این مقوله علاقه مند شد که پس از چندی نه تنها یک شغل بلکه به بخش بسیار مهمی از زندگی وی تبدیل شد.

پس از فارغ التحصیلی از مدرسه تلویزیون و سینما در سال ۱۳۵۳ وارد دانشکده هنرهای دراماتیک شده و در رشته کارگردانی مشغول تحصیل شد. همزمان با تحصیل و اشتغال در تلویزیون کار در رشته های مختلف سینما را نیز تجربه کرد.

در مسیر جدید

خانم بنی اعتماد درباره دوران آغازین کار در نقش منشی صحنه گفت: به واقع شروع کار زمانی که هم در تلویزیون کار می کردم و هم در دانشگاه

فراموش کنم برای همین سخت تلاش می کردم و همیشه مشغول بودم.

پس از فارغ التحصیلی از دانشکده هنرهای دراماتیک، مستند سازی در تلویزیون را آغاز کرد و همزمان در حوزه سینما نیز به عنوان دستیار کارگردان و برنامه ریز مشغول به کار شد.

پس از نزدیک به ۱۵ سال همکاری با تلویزیون ناگزیر به قطع همکاری خود با آن شد. خانم بنی اعتماد در این رابطه گفت: به دلیل وابستگی شدیدی که به فیلم های مستند داشته و هنوز هم دارم اگر امکان داشتم که در تلویزیون بمانم و مستندهایم را آنجا بسازم هیچوقت از تلویزیون بیرون نمی آمدم. وی در آن زمان چندین طرح مستند و داستانی را به تلویزیون ارائه کرد که هیچ یک از آنها برای ساخت تصویب نشد از جمله طوبا که ۱۶ سال بعد با تغییراتی بنا بر شرایط اجتماعی دوران خود به نام "زیر پوست شهر" ساخته شد.

فاصله خروج از تلویزیون تا مطرح شدن وی به عنوان کارگردان حرفه ای سینما، فراز و نشیب های بسیاری داشت. در آن زمان دختر وی (باران) تازه به دنیا آمده بود، او دوره هایی به همراه جمعی از زنان همکار تلویزیونی اش به کارهای کاملا دور از فضای حرفه ای اش مثل آشپزی و خیاطی پرداخت. وی گفت: نفس کار کردن برای من اهمیت داشت و همیشه به کاری که انجام می دادم مفتخر بودم و هرگز سرم را پائین نگرفتم. خانم بنی اعتماد معتقد است: به هر کاری که با دیده احترام نگاه شود، آن کار معنا و هویت پیدا می کند. او در مورد علاقه اصلی اش به کارگردانی گفت: چنین نبود که به آسانی در یک روز بر صندلی کارگردانی تکیه بزنم و می دانستم مسیری را در پیش دارم و برای رسیدن به هدف باید تلاش کنم.

در سال ۱۳۶۶ اولین فیلم بلند سینمایی خود را با نام "خارج از محدوده" کارگردانی نمود. خانم بنی اعتماد با پشتکار توانست همکاری تعاونی فیلمسازان را که بنیاد مستضعفان شریک اصلی آن بود به عنوان تهیه کننده جلب نماید. آشنایی او با تعاونی فیلمسازان مربوط به ۶ سال پیش از آن بود که وی در سمت دستیار کارگردان در فیلم "آفتاب نشین ها"، حضور داشت.

بر طبق قانون آن زمان، کارگردان برای ساخت اولین فیلم خود باید یکی از سه شرط داشتن تحصیلات سینمایی یا سابقه دستکاری در سینما و یا داشتن یک نمونه کار را می داشت و چون حائز همه شرایط بود توانست اجازه ساخت اولین فیلم سینمایی اش را بگیرد.

باورها در مسیر توسعه

پس از ساخت اولین فیلم، دو دیگر خود را نیز با همکاری تهیه کننده مستقل تهیه نمود. در سال ۱۳۷۰ وی با همکاری همسرش به ساخت فیلم "نرگس" پرداخت. همسر وی (جهانگیر کوثری) نیز تحصیل کرده رشته سینماست و از ابتدا با وی همکاری می کرد. فیلم نرگس با موفقیت بسیاری روبرو شد و به عنوان دومین فیلم سال ۱۳۷۱ شناخته شد.

به باور خانم بنی اعتماد برای ایفای مشاغلی مانند فیلم سازی در جوامعی با سابقه فرهنگی مرد سالارانه، تدابیری لازم است. وی تصریح کرد: نمی توان با تحمیل و زور، تفکری را که در رگ و پی فرهنگ وجود دارد تغییر داد بلکه لازم است با تلاش فرهنگی در باور مردم تأثیر گذاشت.

خانم بنی اعتماد افزود: از ابتدا به خود اجازه ندادم که هراس از موانعی که بر سر راهم بود مرا به انفعال بکشاند. آن چه که اهمیت داشت این بود که

رخشان بنی اعتماد:

برای ایفای مشاغلی مانند فیلم سازی در جوامعی با سابقه فرهنگی مرد سالارانه، تدابیری لازم است. وی تصریح کرد: نمی توان با تحمیل و زور، تفکری را که در رگ و پی فرهنگ وجود دارد تغییر داد بلکه لازم است با تلاش فرهنگی در باور مردم تأثیر گذاشت.

ترغیب شود اما مخالفت شدید مادر از یک سو که فکر می کرد وقتی دخترش شاگرد اول است اگر رشته ادبی بخواند حمل بر بی استعدادی خواهد شد و نیز علاقه او به ریاضیات از دیگر سو باعث شد تا به تحصیل در رشته ریاضیات بپردازد. قصد وی ادامه تحصیل در رشته معماری بود که پس از فارغ التحصیلی از دبیرستان در مدرسه عالی راه و ساختمان و نیز دانشگاه ملی برای رشته معماری پذیرفته شد اما شرایط زندگی در آن زمان او را ناگزیر به کار کردن و کسب درآمد نمود.

همزمان تلویزیون برای استخدام منشی صحنه اعلام نیاز نمود. او در آزمون مربوطه شرکت کرده و به عنوان منشی صحنه در تلویزیون مشغول به کار شد. خانم بنی اعتماد در این باره گفت: در آن زمان رفتن من به سمت مقوله تصویر تنها با هدف داشتن شغل بود. هر چند از دوازده سالگی و از طریق تدریس به هم سالانش کسب درآمد را آغاز نموده بود اما از ۱۸ سالگی و با حضور در تلویزیون به طور رسمی کار خود را آغاز کرد.

هم زمان خانم بنی اعتماد به مدرسه تلویزیون و سینما وارد شد و از آنجا که طبق قوانین نمی توانست همزمان در دو رشته تحصیل کند از خواندن رشته معماری منصرف شد. وی در این مورد گفت:





راه اندازی نمایم. وی تصمیم راه اندازی موسسه را با معاونت مطبوعاتی وقت وزارت ارشاد مطرح کرد. اما از آنجایی که چنین کاری تاکنون در کشور ما انجام نشده بود آنها از وی خواستند که آئین نامه موسسه را تهیه کند تا بتوانند بر اساس آئین نامه مجوز فعالیت صادر کنند. او آئین نامه مربوطه را تهیه و مجوز فعالیت را دریافت نمود بر این اساس موسسه اطلاع رسانی مطبوعاتی را از سال ۱۳۷۶ با ۳ نفر کارمند آغاز کرد. خانم شیخ الاسلامی اجاره دفتر موسسه را از محل دستمزدی که از فعالیت مطبوعاتی خود به دست می آورد پرداخت می کرد. وی ادامه داد: به طور همزمان در چند جا کار می کردم و مکان را از یک آشنا با اجاره کمتری تهیه کردم اما در ابتدا هیچگونه تجهیزاتی حتی کامپیوتر و فکس نیز نداشتیم اما امکانات را به تدریج از محل درآمد موسسه تامین کردم و توانستیم مکان بهتری نیز اجاره کنیم. این موسسه به طور حرفه ای در حوزه تخصصی علوم ارتباطات اجتماعی فعالیت می کرد و پس از ۵ سال در حدود ۱۵ نیروی تمام وقت و چند نفر پاره

رسانی فرهنگی با آنها همکاری کند. خانم شیخ الاسلامی، گفت: ابتدا مطالعاتی در این حوزه انجام دادم و به این نتیجه رسیدم که در ایران هم می توان چون دیگر نقاط دنیا روزنامه نگاری تخصصی دایر نمود و خبرنگاران را طوری تربیت کرد که استعدادشان را در آن مسیر تخصصی (مثلاً فرهنگ) به کار برد. وی ابتدا با تأسیس یک سایت خبری کار را آغاز کرده پس از چندی آن را به یک خبرگزاری تبدیل نمود. موسسه اطلاع رسانی مطبوعاتی نیز به عنوان بخشی از خبرگزاری همچنان به فعالیت خود ادامه می دهد. برای راه اندازی میراث خبر، سازمان میراث فرهنگی علاوه بر در اختیار گذاشتن مکانی به مدت شش ماه، دو قرار داد کاری نیز با وی بست. پس از شش ماه خبرگزاری میراث خبر مکانی اجاره نمود و با فعال کردن بخش های انفورماتیک، گرافیک، دریافت تبلیغات و انتشار دو نشریه در حوزه های گردشگری و سینما توانست برای خود درآمد ایجاد نماید. خانم شیخ الاسلامی، بزرگترین چالش آن دوران را برخورد های غیر منصفانه همکاران عنوان کرد و افزود: برخی از قراردادهای ما با میراث فرهنگی به

طی کرد اما همت او چنان بود که چندین فعالیت را هم زمان سر و سامان داد.

کودکی و نوجوانی

مرجان شیخ الاسلامی در سال ۱۳۵۰ در کرمانشاه متولد شد. وی از چهار سالگی به همراه خانواده اش به اصفهان عزیمت کرد. از کودکی به خواندن و نوشتن علاقه داشت به نحوی که از سال های پایان دبستان داستان های مصور می نوشت. در دوران دبیرستان و دانشگاه نیز همواره به علت قلم خوبی که داشت مورد تشویق معلمان و اساتیدش قرار گرفت.

پس از دبیرستان در رشته علوم آزمایشگاهی مشغول به تحصیل شد. در این باره گفت: فارغ از علاقه، هر گاه کاری را شروع می کردم تا پایان آن را ادامه می دادم. پس از شروع به تحصیل در رشته علوم آزمایشگاهی نیز به شدت به آن علاقه مند شدم. هنگام گذراندن طرح در یکی از روستاهای اطراف اصفهان برای دانش آموزان مقطع راهنمایی و دبیرستان کلاس فوق العاده داستان نویسی و نقاشی دایر نمود و علاقه خود به حوزه علوم انسانی را پی گرفت.

وی پس از اخذ مدرک کاردانی در رشته علوم آزمایشگاهی، رشته علوم ارتباطات اجتماعی را برای ادامه تحصیل انتخاب کرده و تا مقطع کارشناسی ارشد ادامه داد.

دغدغه ها و چالش ها در شکل گیری ایده
در سال ۱۳۷۳ به عنوان دانشجوی علوم ارتباطات اجتماعی به دانشگاه علامه طباطبایی وارد شود و از سال ۱۳۷۴ کار حرفه ای خود را به عنوان روزنامه نگار آغاز نمود. وی سپس به فعالیت حرفه ای خود

تحت عناوینی چون دبیر سرویس و سردبیر نشریه در نشریاتی مانند ایران و زنان ادامه داد. دو سال بعد در حالی که هنوز دوره تحصیلی خود را به پایان نرسانده بود به راه اندازی یک موسسه اطلاع رسانی مطبوعاتی اقدام کرد. وی در این باره گفت: همیشه این دغدغه با من بود که مجموعه ای را که هم جوابگوی نیاز جامعه خبری باشد و هم محیط کاری مناسبی از جهت روابط انسانی داشته باشد،

با اثبات توانایی ام به هیچکس اجازه ندهم از زاویه جنسیت مانع بر سر راهم پیش آورد، به همان اندازه که حاضر نبودم کوچکترین امتیازی را بابت زن بودنم بپذیرم، حاضر نبودم به عنوان یک فیلمساز هیچ امکاناتی را به این دلیل از دست بدهم.

وی پشتکار و باور عمیق به توانستن و علاقه فراوان به کار را از عوامل مهم در رشد و موفقیت خود دانست و اذعان داشت: از کار کردن بیش از هر چیز لذت می برم.

وی در مورد چالش های دوران توسعه گفت: مشکلات همیشه هست، مهم این است که انسان ها چگونه با آنها روبرو شود. من به جوهر مقاومت و مبارزه در جهت بهتر کار کردن شرایط بسیار اعتقاد دارم و شخصیت فیلمهایم نیز این گونه هستند. مانند نوبرکردانی، نرگس، طوبا و... در مقابل شرایط پر فشار تسلیم نمی شوند بلکه می ایستند و مبارزه می کنند. به عقیده وی موفقیت زندگی حرفه ای هر فرد، رضایت از کار و تلاش برای بهبود اثربخشی و تأثیرگذاری بر جامعه است که رضایت نیز انتهایی ندارد.

وی به خاطر مشکل فیزیکی که هم اکنون با آن دست به گریبان است خود را قادر نمی بیند که تا چندی به عنوان کارگردان پشت دوربین برود از دیگر سو قصد ندارد تا تجربه هایی را که در این سال ها به دست آورده بایگانی کند از همین رو تصمیم دارد تا با جوانانی که به کارشان اعتقاد دارد، همکاری کند و معتقد است: اگرچه کمتر از گذشته ولی همچنان با انرژی به کار خود ادامه می دهم.

تجربه کارآفرینی در خبرگزاری

سخنران بعدی - مرجان شیخ الاسلامی - موسس و مدیر عامل خبرگزاری میراث فرهنگی بود. روزنامه نگاری را از جوانی آغاز کرد. همواره دغدغه آن را داشت تا اطلاع رسانی را در سطح حرفه ای سامان دهد و بر آن شد تا ایده ای را به کسب و کار تبدیل کند. مسیر را با سایت خبری آغاز و سپس به خبرگزاری تبدیل کرد. امروز به عنوان نخستین زن این عرصه مسیر پر چالشی را

مرجان شیخ الاسلامی:

در جامعه ای که وزیر ارشاد، تمام مدیران عامل خبرگزاری ها، مدیران مسئول روزنامه ها و... مرد هستند، ناچارم محتاطانه عمل کنم. وی افزود:
چنین مشکلاتی بیش از هر چیز از من انرژی برده است.
چون مشکلات واقعی قابل حل هستند ولی این مسائل غیر واقعی به دشواری رفع می شوند.

عنوان رات نام می بردند و این حرف ها بیش از هر عملی مرا آزار می داد. وی تأثیر غیر حرفه ای را در روند کار بسیار مشکل زا دانست و گفت: هرگز نشد که به خاطر تخصص، نوع مدیریت و حرکت های فرهنگی زیر سوال بروم و معمولاً انتقادهای خاطر کاری است که انجام نداده ام. وی برخی از موانع موجود را ناشی از جنسیت خود قلمداد کرد و گفت: در جامعه ای که وزیر ارشاد، تمام مدیران عامل خبرگزاری ها، مدیران مسئول روزنامه ها و... مرد هستند، ناچارم محتاطانه عمل کنم. وی افزود: چنین مشکلاتی بیش از هر چیز از من انرژی برده است. چون مشکلات واقعی قابل حل هستند ولی این مسائل غیر واقعی به دشواری رفع می شوند. او در عین حال اذعان داشت: در مجموع از فعالیتی که آغاز کرده ام علیرغم تمام سختی ها بسیار خوشنودم زیرا در درجه اول مستقل کار کردن خود مدرسه بزرگی است که ضمن اینکه تمام کارهای یدی و عملی را در آن می آموزی به تو یاد می دهد که چطور به یک نیروی غیر انسانی تکیه کنی؛ دوم آنکه این کار سبب راه افتادن جریان های موثری در جامعه شده است. وی در حال حاضر موسسه خود را به یک شرکت

وقت را در اختیار گرفت و پروژه های موفقیتی چون تهیه استراتژی برای روابط عمومی سازمان های دولتی، بررسی نشریات سازمان های دولتی از منظر تخصصی را به انجام رسانید. وی در مورد چالش های دوران آغاز گفت: کار کردن سخت است و بالا و پایین زیاد دارد، فکر می کنم یا کسی نباید کاری را شروع کند یا اگر شروع کرد باید پای سختی های آن هم بایستد. خانم شیخ الاسلامی افزود: آنچه برایم بسیار اهمیت داشت این بود که نمی خواستم مجموعه ای را که جمع کرده بودم از هم بپاشد. محیط کار ما فضای منحصر به فردی دارد و صمیمیت و الفت خاصی میان بچه ها حاکم است و حفظ این فضا برای من بیش از هر چیز اهمیت داشت.

مسیر توسعه

در سال ۱۳۸۱ رئیس وقت سازمان میراث فرهنگی، با مشاهده فعالیت موسسه اطلاع رسانی مطبوعاتی و دریافت نظر مثبت نسبت به آن از یک سو و احساس ضعف رسانی در حوزه میراث فرهنگی، پیشنهاد راه اندازی اطلاع رسانی فرهنگی را با وی مطرح نمود. سابقه این آشنایی به مصاحبه ای برمی گشت که او با رئیس سازمان میراث فرهنگی انجام داده بود. پس از انتشار مصاحبه، نظر رئیس سازمان جلب شده و از وی خواست تا برای اطلاع

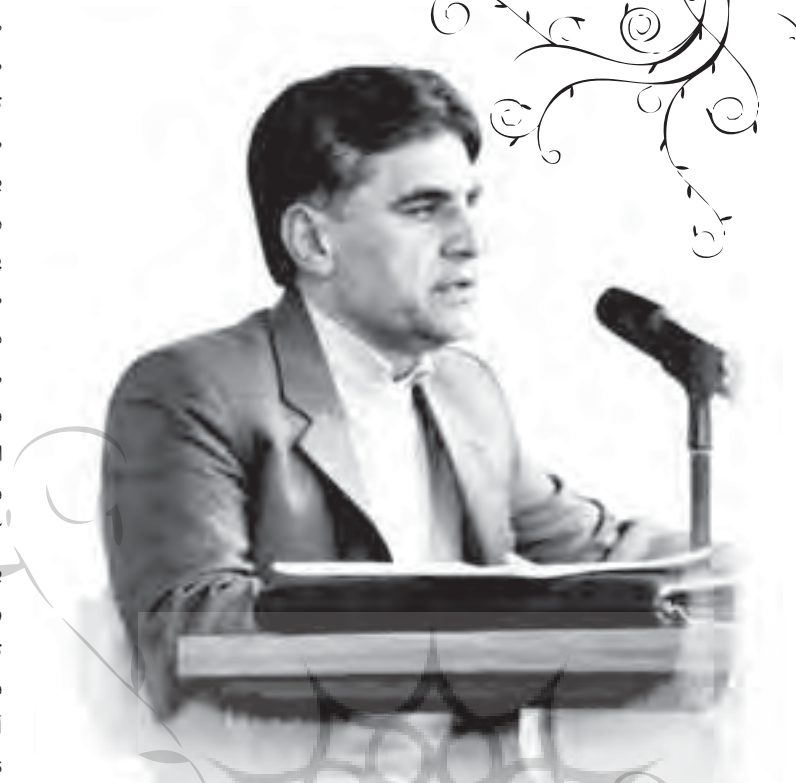
مادر تبدیل نموده و در کنار خبرگزاری بخش هایی چون انتشارات، اطلاع رسانی، واحد انفورماتیک، واحد گردشگری و سازمان آگهی ها را فعال نموده است. خانم شیخ الاسلامی، دانش تخصصی و هدفمند بودن را از عوامل اصلی موفقیت خود دانست و گفت: هیچ وقت فکر نمی‌کنم که مشکلات منجر به اتفاق ناگواری خواهد شد و مطمئن هستم که قادر به حل کردن آنها هستم.

میراث فرهنگ با رویکرد کارآفرینی

دکتر محمد صفحی - معاون سابق وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی و مشاور رئیس پژوهشگاه صنعت نفت - نیز اظهار داشت: امروز بحث مدیریتی دانش به عنوان یکی از مباحث نوین مدیریتی مطرح است و جان کلام مدیریت دانش در این است که بر اساس فرآیندی که در این نوع نگرش وجود دارد بتوان آنچه در پس ذهن هنرمندان، اساتید و کارآفرینان می‌گذرد هرگز مستند نمی‌شود و تجربیات به دیگران انتقال نمی‌یابد باید تجارب مستند و منتقل و دیگران از تجارب بهره مند شوند. در واقع سرمایه‌های مادی و معنوی را هرز نمی‌دهند.

یکی از نظر پردازان اقتصاد برای اینکه بتواند میان مقوله فرهنگ و هنر با اقتصاد تمثیلی بسازد که به ذهن مخاطبین بنشیند و حس کنند که همنشینی دو مقوله اقتصاد و فرهنگ چقدر دشوار است و چگونه دو امر متناقض را می‌توان در کنار هم گذاشت و از ویژگی‌ها و توانایی‌های هر کدام از این مقوله‌های بهترین بهره‌ها را برد، از تمثیل جالبی استفاده می‌کند اگر بخواهیم دو موضوع اقتصاد و فرهنگ یا اقتصاد و هنر را حالتی انسانی دهیم چه شکلی پیدا می‌کنند؟ قطعاً اقتصاد مردی خواهد بود با مقداری اضافه وزن، مستعد خود بیمار انگاری، پرحرف و پر رو که این تجسم را می‌توانید از مقوله اقتصاد داشته باشید. در عوض هنر را اگر بخواهید به انسان تشبیه کنید، هنر قطعاً زنی خواهد بود با هوش، غیر قابل پیش بینی و تا حدودی قابل توجه.

در مورد اقتصاد و فرهنگ هم می‌توانیم مشابه این امر را به کار ببریم زیرا قلمرو اقتصاد و فرهنگ و به طور اخص هنر آنقدر پیچیدگی و جنبه‌های متناقض برای همکاری با هم دارند که این حوزه‌ها را از هم دور نگه می‌دارد. اقتصاد امری است که به عنوان تأمین منافع فردی اهدافی را دنبال می‌کند



است که ورود کارآفرینان به این حوزه را تشویق می‌کند. الان تولید و مصرف فرهنگی عمدتاً حول محور هنرها متمرکز شده و در حقیقت آنچه را که جامعه طلب می‌کند می‌توان در حوزه هنر دنبال کرد از هنرهای ناب و سنتی گرفته مانند موسیقی، هنرهای تجسمی و ادبیات گرفته تا شیوه‌های جدید مانند تولید برنامه‌های مالی مدیا و...

باید تکلیف نگاه ما به فرهنگ از بعد کارکردن روشن باشد. تعریف فرهنگ یکی از تعاریف پیچیده است، ویلیامز، فرهنگ را یکی از واژه‌هایی می‌داند که در زبان انگلیسی، بیشترین پیچیدگی را دارد. در نگاه کلی نمی‌توان از فرهنگ به عنوان مجموعه فعالیت‌های مردم و محصولاتی که این فعالیت‌ها را به جنبه‌های اخلاقی و هنری زندگی انسان مربوط می‌کنند؛ تعمیم داد و با این تعریف، فرهنگ عملیاتی و اجرایی را می‌توانیم معطوف کنیم بر اینکه دنبال روشنگری و پرورش ذهن برویم اما فرهنگ با نگاه کارکردی چه خصوصیات و ویژگی‌هایی دارد؟ نخستین ویژگی این است که تولید و محصولی را در صورتی می‌توانیم بگوییم فرهنگی است که خلاقیت، ابداع و نوآوری در تولید آن نقش داشته باشد و گر نه اگر این عنصر در آن نباشد، تکرار مکررات و کارکلیشه‌ای است.

ویژگی دیگر، آفرینش معنای نمادین توسط آن تولید است و اینکه این نماد را خلق و تولید کرد بتواند به دیگران منتقل کند. لذا هم تولید و هم انتقال به دیگران را می‌توانیم در تعریف فرهنگ کار کردن نام ببریم.

آخرین ویژگی، این است که آیا محصول واحد جنبه‌های عقلانی است یا خیر. جنبه‌های اخلاقی به عنوان ارزش آن کار یاد می‌شود. هر اثری را نمی‌توان گفت فرهنگی است به این دلیل که ممکن است منجر به امتیاز معنوی یا مادی نشود. اگر این تعریف را بپذیرفته باشیم به این نکته می‌رسیم که الگوی صنایع فرهنگی چیست؟ صنایع فرهنگی یک مجموعه‌ای است که به عنوان ایده‌های داخل هم یک هسته مرکزی دارد و این هسته مرکزی هنرهای خلاق را شامل می‌شود. لایه‌ای روی هسته مرکزی را احاطه می‌کند. رشته‌های دیگر که کمتر فرهنگی هستند و با رشته‌های دیگر همراهی دارند و بطور موازی کار را پیش می‌برند مانند کتاب، مجله، رادیو، تلویزیون و فیلم در این حوزه قلمداد می‌شوند.

لایه دوم ارتباط چندانی به فرهنگ ندارد و تنها رگه‌هایی از فرهنگ را ممکن است در کنار خود داشته باشند و تا حدودی دارای محتوای فرهنگی باشد اما اساساً خارج از قلمرو فرهنگ قرار می‌گیرند مگر اینکه بخشی از تولیدات مانند گردشگری، تبلیغات و خدمات معماری باشد که دارای پایه مفاهیم بسیار گسترده‌ای است در این صورت می‌توانیم آنها را جزء صنایع فرهنگی محسوب کنیم.

برای اینکه سرمایه فرهنگی به نحو مطلوب به کار گرفته شود موکول به این است که کارآفرینان در حوزه فرهنگی خود را به عنوان یک بنگاه تعریف

تواند فرهنگ را از تمام زوایا و ابعاد در نظر بگیرد و اقتصاد را هم با تمام مفاهیم آن از جمله بحث عرضه و تقاضا، رقابت و خود تنظیمی بازار و با توجه به تعریف معروفی که از اقتصاد می‌شناسیم (یعنی اقتصاد علمی است که چگونگی تخصیص منابع کمیاب یا نایاب را در جهت تأمین نیازهای محدود یا نیازهای متضاد ما هدایت می‌کند) این دو مقوله را بتوانیم با همدیگر جمع کنیم.

گوهر هنر را خلاقیت و نوآوری می‌دانم، همانطور که در تعریف کارآفرینی به این موضوع تأکید شده است، نوآوری و خلاقیت گوهر، کار کسانی است که ابتکار می‌کنند، شیوه‌های جدیدی کشف می‌کنند، آن را به کار می‌گیرند و به پیشرفت‌های بزرگتر نائل می‌شوند. در ارتباط با هماهنگی و ارتباط این دو مقوله با یکدیگر جای بحث نیست زیرا هم در ذات هنر خلاقیت و نوآوری وجود دارد و هم کارآفرینی چنین وضعیتی دارد اما چرا کارآفرینی و ارتقا کارآفرینی در حوزه فرهنگ باید در اولویت زنان کارآفرین قرار گیرد؟ یکی از مهمترین مسائلی که می‌توان به آن اشاره کرد این است که پدیده‌های فرهنگی در روند زندگی روزمره به خصوص فرهنگ عامه، رواج بیشتری پیدا کرده است.

بحث دیگر این است که امروز فرهنگ را به عنوان یک متغیر مهم در پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی به رسمیت شناخته‌اند به نحوی که بانک جهانی به عنوان یک جریانی که مسائل اقتصادی کلان جهان را مدیریت می‌کند و فرهنگ مولفه اصلی توسعه اقتصادی است. بنابراین شناسایی فرهنگ به عنوان یکی از متغیرهای اصلی از جمله مسائلی

و خصلت فردگرا دارد اما فرهنگ بیشتر عرصه جمع‌گرایی و منافع جمعی را تعقیب می‌نماید. دلیل این امر شاید این باشد که در کشور به فرهنگ یا هنر به عنوان امری لوکس، تشریفاتی و از سر تفنن و سرگرمی نگاه می‌کنیم و یک امر حاشیه‌ای قلمداد می‌شود در حالی که می‌دانیم موضوع اقتصاد فرهنگ موضوعی است که در دنیا درآمدهای کلان و سرشاری را نصیب صاحبان حرفی می‌کند که در حوزه فرهنگ کار اقتصادی می‌کنند.

بحث اقتصاد فرهنگ یک مقوله جدید است، فرهنگ در دهه ۱۹۹۰ رسماً وارد بافت تجارت جهانی شد و دلیل عمده آن به تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات بر می‌گردد که به شکل وسیعی جای خود را باز کرده است و همینطور مقوله جهانی شدن و جهانی سازی که کشورها را با شتاب به طرف الحاق به سازمان جهانی تجارت حرکت می‌دهند. موضوع اقتصاد فرهنگ هم جنبه‌ای از کار است که می‌

دکتر صفحی:

در کشور به فرهنگ یا هنر به عنوان امری لوکس، تشریفاتی و از سر تفنن و سرگرمی نگاه می‌کنیم و یک امر حاشیه‌ای قلمداد می‌شود در حالی که می‌دانیم موضوع اقتصاد فرهنگ موضوعی است که در دنیا درآمدهای کلان و سرشاری را نصیب صاحبان حرفی می‌کند که در حوزه فرهنگ کار اقتصادی می‌کنند.

کنند و بداند این بنگاهی که به عنوان کارآفرینی در حوزه فرهنگ و هنر کار می کند با حوزه های مختلفی مواجه است و باید بتواند خواسته ها و نیاز هر کدام از این حوزه ها را تأمین کند. اولین مسأله به صاحبان بنگاه ها باز می گردد که همان کارآفرینان هستند. کارآفرینان به دنبال این هستند که شرکت خود را حفظ کنند، نرخ سود دهی را افزایش دهند، کسب و کار خود را توسعه دهند و ارزش اقتصادی و اعتبارشان را بالا ببرند. دولت در این حکمرانو به دنبال ۳ حوزه هدایت، حمایت و نظارت است اما در حقیقت تمام دولت ها به دنبال اعمال مقررات و حفظ ارزش های ملی خود هستند و می خواهند از این بنگاه های مالیات اخذ کنند و به وسیله اعطای یارانه از برخی از کارها حمایت کنند و بنابراین نوعی سلطه فرهنگی اعمال نمایند. حامیان، کسانی هستند که برای فعالیت های فرهنگی و هنری، آگهی دهنده و اسپانسر هستند، آنان به دنبال این هستند که هزینه کمی بابت آگهی بپردازند و همینطور دسترسی آسان و کیفیت خوبی داشته باشد.

کارکنان و مخاطبین هم قطعاً به دنبال این هستند که منافعی تأمین شود و ارزش افزوده کاری که انجام می دهند افزایش یابد. اما در مورد آینده فعالیت های کارآفرینی فرهنگی، اولاً این نوید را باید داد که صرفنظر از محدودیت ها و گرفتاری ها که ممکن است حوزه فرهنگ با آن مواجه باشد ولی در یک نگاه دراز مدت باید بدانیم که به سمت تغییر الگوی مصرف و افزایش درآمد پیش رویم و قطعاً این تغییر الگوی مصرف، جایی را برای کالاهای فرهنگی و خدمات فرهنگی باز خواهد کرد و میدان را برای تولید انواع فرآورده ها و کالاهای فرهنگی و هنری گسترده تر خواهد کرد. در نهایت بحث اشتغال به عنوان یکی از مباحث مهم است که از آنجا که فعالیت های هنری و فرهنگی بطور وسیعی می تواند اشتغال آفرین باشد از این جهت هم به آن توجه خواهد شد.

تجربه کارآفرینی در نشر مفاهیم قرآنی

منصوره شایسته - موسس و مدیر عامل موسسه انتظار یار - در زمینه کارآفرینی به ذکر سخنرانی پرداخت. انس با قرآن او را در مسیری قرار داد تا فعالیت های اقتصادی و اجتماعی اش با مفاهیم قرآنی، هویت فرهنگی پیدا کند و برای ساختن نهاد "در انتظار یار" همه هستی مادی خود را در طبق اخلاص نهد.

آغاز راه

خانم شایسته در سال ۱۳۳۴ متولد شد. وی بر حسب علاقه رشته ریاضی را برای ادامه تحصیل برگزید و در مواجهه با دوران پر تاب و تب انقلاب به آموزه ای مذهبی و علوم انسانی روی آورد. تحصیلات خود را تا کارشناسی ارشد فلسفه در دانشگاه تهران طی نمود. علاوه بر تحصیلات دانشگاهی در حوزه نیز به تحصیل فلسفه پرداخت هم اکنون وی دانشجوی اجتهاد (دوره خارج) است.

وی فعالیت های متعددی همچون تدریس تعلیمات دینی در مدارس، تدریس در دانشگاه تربیت معلم، تدریس در حوزه و معاونت پژوهشی حوزه حضرت

خدیجه را در کارنامه ۲۷ ساله سوابق حرفه ای خود ثبت نموده است. حضور همزمان در حوزه و دانشگاه سبب شد تا بیش از هر چیز به خلأ حاکم میان این دو بخش واقف شود و درصدد رفع آن اندیشه کند.

در انتظار یار

او با این نگاه از دو سال و نیم پیش نسبت به تأسیس موسسه فرهنگی انتظار یار اقدام نمود. وی به دلیل کمبود منابع با اعمال تغییراتی در منزل مسکونی خود آن را در اختیار موسسه قرار داده و خود در خانه ای رهنی سکنی گزیده است. به گفته وی همسرش به اهداف او ایمان دارد و در این راه بسیار همکاری کرده است.

موسسه فرهنگی انتظار یار به منظور ایجاد جریان فرهنگی نوین در جامعه و به طور کلی دو هدف عمده را برای خود تعریف کرده است؛ نخست برقراری تلفیقی میان ارزش های دینی و نیازهای جامعه امروز و به عبارت دیگر اقدام به منظور رفع خلأ موجود میان آموزه های دینی و آموزه های علمی و کاربردی دین. دوم نهادینه کردن اخلاق ارزشی و گسترش کمالات انسانی در دانشجویان به نحوی که این اخلاق با واقعیت های دنیای امروز مانند لزوم معیشت اقتصادی و حضور در جامعه جهانی قابل پیاده سازی باشد.

برای تحقق این اهداف تاکنون دو فعالیت را در پی گرفته است. در پاسخ به خلأ موجود میان آموزه های دینی و آموزه های علمی، این موسسه طرح تربیت اندیشمند دینی را در دست اجرا قرار داده است. این برنامه با رویکرد پرورش نخبگان،

منصوره شایسته:

دوره تربیت اندیشمند اسلامی در حال حاضر با ۳۵ دانشجو آغاز شده و قرار است که مرحله اول آن به صورت پایلوت طی یک دوره ۵ ساله برگزار شود. در بلند مدت این موسسه قصد دارد دوره های آموزشی خود را در قالب دانشگاه مجازی در سطح فرا ملی تعمیم دهد. اساسنامه این دانشگاه تهیه شده است و برای برگزاری دوره های مقدماتی آن با یکی از دانشگاه های کشور توافقاتی صورت گرفته است.

به صورت چند وجهی طراحی شده است و کلیه دروس آن (حتی دروس غیر مذهبی مانند زبان انگلیسی) قرآن محور هستند. طراحی دروس را وی با همکاری اساتید خود انجام داده است به عقیده او قرآن قابلیت بسیار زیادی دارد که متأسفانه معمولاً تنها به بخشی از آن توجه می شود. دوره تربیت اندیشمند اسلامی در حال حاضر با ۳۵ دانشجو آغاز شده و قرار است که مرحله اول آن به صورت پایلوت طی یک دوره ۵ ساله برگزار شود. در بلند مدت این موسسه قصد دارد دوره های آموزشی خود را در قالب دانشگاه مجازی در سطح فرا ملی تعمیم دهد. اساسنامه این دانشگاه تهیه شده است و برای برگزاری دوره های مقدماتی آن با یکی از دانشگاه های کشور توافقاتی صورت گرفته است.

های خوش اندیشی اقدام نموده است. به باور خانم شایسته، انسان کمال یافته فردی است که نسبت به مسیر زندگی خود احساس رضایتمندی می کند. در طرحی پیشنهادی دیگر این موسسه قصد دارد تا دوره های رضایتمندی را جایگزین دروس معارف اسلامی دانشگاهی نماید. علاوه بر آن فعالیت های اصلی موسسه انتظار یار نسبت به اجرای برخی فعالیت های جنبی چون طراحی های انیمیشن با مباحث ارزشی، برگزاری جلسات و همایش هایی به مناسبت های مختلف اقدام کرده است.

چالش های پیش رو

خانم شایسته ادامه داد: با آنکه حدود ۳ سال از راه اندازی این موسسه می گذرد همچنان با چالش های اولیه دست به گریبانم و از این رو هنوز نمی توان میزان موفقیت موسسه را اندازه گیری کرد.

وی با این باور که قرار نیست موسسه به صورت خیریه اداره شود، آن را در وزارت ارشاد و به عنوان موسسه فرهنگی ثبت نمود. او ادامه داد: در صورت گرفتن مجوز برای اعطای مدرک رسمی به دانشجویان انتظار می رود تا این موسسه قادر شود خود را اداره نماید.

وی عمده مشکلات کنونی را در اجرای طرح های تصویب شده دانست و افزود: مشکلات و موانع اداری که پس از تصویب طرح و در زمان اجرا رخ می دهد معمولاً بسیار وقت گیر و هزینه بر است. خانم شایسته تنها پشتوانه خود را پس از لطف خدا، توان شخصی اش دانست و امیدوار است موسسه در اجرایی کردن اهداف خود موفق به پرورش اندیشمندانی در سطح جهان شود.

تجربه کار آفرینی در صنایع دستی

فاطمه نزه ای - گلیم باف و مدیرعامل شرکت تعاونی گزل بافت - نیز سخنانی پیرامون فعالیت خود و کسب موفقیت یاد آور شد. در دامن طبیعت و در میان اهل عشایر چشم را که به جهان گشود و آنگاه که خود را در آغوش مادر یافت نخست هنر آموخت. در مسیر زندگی کوچ نشینی بافنده ای زبده شد. تقدیر چنین رقم زد که در جوانی سرپرست خانواده شود. کسب و کار بر هنر بنا نمود. زیرا احیا هنر اصیل قشقایی، دغدغه دیرینه اش است.

کودکی تا جوانی در عشایر

در سال ۱۳۳۹ در روستای هوک به دنیا آمد. وی کودکی را در ایل قشقایی به همراه پدر و مادرش



سپری کرد و دوران ابتدایی را در مدرسه سیار عشایری گذراند. هنگامی که به مقطع راهنمایی رسید، پدرش که از معتمدین ایل قشقایی بود، به علت تحصیل فرزندان در شهر (شهرضا) ساکن شد، هر چند خانواده همچنان تابستان را در کنار ایل سپری می‌کرد. او دیپلم خود را در رشته اقتصاد اجتماعی گرفته با وجود علاقه فراوانش به ادامه تحصیل به خاطر مواجه شدن با انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها از این کار باز ماند.

در کودکی بافندگی را از مادرش که از هنرمندان ماهر اصیل قشقایی بود فرا گرفت و از ۱۲ سالگی در کنار درس به بافندگی نیز پرداخت. خانم نره ای گفت: زمستان‌ها در شهر درس می‌خواندم و تابستان‌ها بافندگی می‌کردم به طوری که کلیه بافت‌های قشقایی اعم از جاجیم بافی، گلیم بافی، گبه بافی، فرش بافی و کاربردهای مختلف آنها را یاد گرفته بودم و همیشه سعی بر آن داشتم که در بافته‌های خود تنوع و ابتکار جدیدی هم در رنگ و هم در نقش و هم در کاربرد داشته باشم.

در سال ۱۳۶۳ ازدواج کرده‌ام، پس از ازدواج تابستان در روستا ساکن شدم و در اردستان و زمستان در شهر اصفهان زندگی می‌کردم.

مسئولیت جدید: سرپرست خانواده

او پس از ازدواج نیز علاوه بر خانه داری و تربیت فرزندان به تهیه مواد اولیه و بافندگی می‌پرداخت. وی در این مورد گفت: رنگ آمیزی پشم و کرک را خودم انجام می‌دادم و دختران فامیل و آشنایان را به کار تشویق نموده برای آنها از شهر مواد اولیه تهیه می‌کردم و به آنها آموزش می‌دادم. بافت رو تختی، رو میلی، رو میزی و کوسن با گلیم و جاجیم از ابتکارات وی در آن دوران بود، در سال ۱۳۷۲ به علت ورشکستگی همسر، بیشتر بار زندگی

و مشکلات آن بر دوش وی افتاد، هر چند پس از چند سال با تلاش مداوم خود و همسرش موفق به حل برخی مشکلات شد، اما در سال ۱۳۷۶ با فوت همسرش در پی یک سانحه رانندگی، دوران سخت تری آغاز شد.

خانم نره ای در این باره گفت: به یکباره با یک پسر و دو دختر تنها ماندم و از نظر اقتصادی شرایط بسیار بدی داشتم و دچار افسردگی و سردرگمی شده بودم. به خاطر محدودیت‌های اجتماعی موجود در روستا برای زنان سرپرست خانوار همچنان در اصفهان ماند و به توصیه پزشکان کار بیرون از منزل را آغاز کرد. در شروع کار برای اخذ مدرک مهارت گلیم و فرش به سازمان فنی و حرفه‌ای اصفهان مراجعه کرده اما از آنجا که مهارت کافی داشت با شرکت در آزمون، مدرک مربی‌گری گرفت و از همان سال تدریس در منزل و مرکز فنی و حرفه‌ای را آغاز کرد.

ایفای نقش در سه حوزه اقتصاد، فرهنگ و جامعه پس از دو سال با راهنمایی برخی دوستان تصمیم به راه اندازی تعاونی تولیدی نمود. او گفت: چون علاقه زیادی به اشاعه هنر و فرهنگ اصیل ایرانی عشایری و قشقایی داشتم و احساس کردم که هنر اصیل در منطقه بسیار ضعیف در معرض نابودی قرار گرفته و جای خود را به بافته‌های تقلبی و تجاری توسط واسطه‌گران داده است، تعاونی را با تعدادی از دوستان دایر نمودم.

تعاونی گزل بافت با ۲۵ نفر عضو و ۷۵۰ هزار تومان سرمایه اولیه در آبان ماه ۱۳۷۸ به ثبت رسید. این تعاونی اشتغالزایی برای زنان به خصوص زنان سرپرست خانواده و برقراری ارتباط نزدیک با هنرمندان کهنسال که تجربه و استعداد هنری آنان در معرض نابودی است و نیز ایجاد

ارتباط میان بافندگان محروم روستایی با مراکز استان را از جمله اهداف خود تعریف کرد.

خانم نره ای تا چندی پیش علاوه بر مسئولیت در شرکت تعاونی، همچنان به آموزش در سازمان فنی و حرفه‌ای نیز ادامه داد اما از سال ۱۳۸۱ به علت مشغله فراوان آموزش در سازمان را راه کرد و در محل تعاونی شروع به آموزش مبتدیان و دیگر اعضا کرد. در سال ۱۳۸۲ به دعوت دانشگاه هنر اصفهان به آموزش طراحی گلیم و سایر زیراندازهای سنتی در دانشکده هنرهای تجسمی مشغول شد.

فعالیت اصلی وی در آن زمان جمع‌آوری مواد اولیه گلیم و گبه و توزیع آن میان بافنده‌ها و جمع‌آوری تولیدات شرکت از بافنده‌ها بود. او در این مورد گفت: فروش ما به اوایل تنها به نمایشگاه‌های بین‌المللی محدود می‌شد.

از جمله چالش‌های ابتدای کار وابستگی تعاونی به تسهیلات صندوق تعاون، نداشتن مکان ثابت برای دفتر، کارگاه تولید و انبار بود که وی همچنان با آنها دست در گریبان است. همچنین عدم حمایت کافی ادارات زیربط و ناهماهنگی میان خود ادارات

تجربه کارآفرینی در تبلیغات

شهرزاد اسفرجانی - موسس و رئیس هیات مدیره شرکت تبلیغاتی داروگ - به عنوان کارآفرین بعدی در جایگاه حاضر شد. از جوانی با هدف یادگیری، سختی را بی‌هیچ ادعا تحمل کرد تا سرانجام اولین شرکت تبلیغاتی بین‌المللی را بنا نهاد. بالغ بر ده سال است که در نقش مدرس در دانشگاه نیز حضوری فعال دارد.

از کودکی تا جوانی

او در سال ۱۳۴۰ متولد شد، پدرش از بنیان‌گذاران صنعت چاپ و از اساتید معروف مینیاتور بود. سابقه فرهنگی خانواده سبب شد تا وی نیز به حوزه هنر علاقمند شود. از این رو در سال ۱۳۵۷ برای تحصیلات در رشته نقاشی وارد دانشگاه شد. ورود او به آموزش عالی همزمان با انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها شد، وی در آن زمان ازدواج کرد و اولین فرزندش به دنیا آمد. پس از بازگشایی دانشگاه تصمیم گرفت در رشته‌ای کاربردی تحصیل کند که امکان کسب اقتصادی نیز در آن

فاطمه نره‌ای:

در کنار فعالیت‌ها کارهای گوناگونی داشتم مهمتر از همه تربیت فرزندانم بوده چرا که به عنوان یک زن سرپرست خانواده لازم بود هم مهر مادری و هم نقش پدر را ایفا کنم. احساس می‌کنم با لطف و عنایت خداوند از این کار سربلند بیرون آمده‌ام.

فراهم باشد، از این رو به رشته گرافیک روی آورد. خانم اسفرجانی پایان نامه خود را با موضوع بسته بندی انتخاب کرد. وی در این رابطه گفت: هر چند موضوع بسته بندی در سال‌های جنگ اصلاً مطرح نبود اما حضور من از کودکی در کنار دستگاه‌های چاپ و بسته بندی پدرم و دسترسی به کاتالوگ‌ها و اطلاعات مرتبط با آنها مرا به این موضوع بسیار علاقمند کرده بود و دوست داشتم کاری در این زمینه انجام دهم.

آغاز راه

پروژه بسته بندی بهانه‌ای برای آشنایی او با مدیر عامل شرکت تبلیغاتی "کارپی" شد. ماحصل آشنایی، شروع به کار او در شرکت تبلیغاتی کارپی بود. او در سال ۱۳۶۶ کار خود را آغاز نمود و ابتدا به صورت رایگان با شرکت همکاری کرده پس از شش ماه استخدام شد و تا ۵ سال به این همکاری ادامه داد. وی گفت: ۵ سال ما بین فارغ التحصیلی تا راه اندازی کسب و کار شخصی که در شرکت تبلیغاتی کارپی گذشت همان دورانی است به اصطلاح به آن دوران یاد گرفتن فوت کوزه‌گری می‌گویند. به زعم وی علت عدم موفقیت جوانانی که بلافاصله پس از فارغ التحصیلی نسبت به راه اندازی کسب و کار اقدام می‌کنند این است که آشنایی حرفه‌ای

در حل مسائل و مشکلات صنایع دستی مشکلات موجود را مضاعف کرده است.

این تعاونی به طور متوسط هر سال در ۲ یا ۳ نمایشگاه داخلی و بین‌المللی شرکت کرده است. از جمله این نمایشگاه‌ها می‌توان به برپایی نمایشگاهی در هندوستان به مناسبت جشن پنجاهمین تأسیس خانه فرهنگ ایران و هندوستان اشاره کرد.

هم اکنون در حدود ۱۰۰ نفر از زنان که بسیاری از آنان سرپرست خانوار هستند، در خانه با این تعاونی همکاری می‌کنند و با هماهنگی که از جانب تعاونی صورت گرفته و همکاری سازمان صنایع دستی استان، اکثراً مدرک مهارت گلیم بافی دریافت کرده‌اند.

از جمله ابتکارات این تعاونی احیا گلیم سوزنی قشقایی، احیای قالی بری قشقایی، احیا مشکل‌ترین جاجیم بافی قشقایی به عنوان اوی، گمچه و کلک است.

خانم نره ای ادامه داد: در کنار فعالیت‌ها کارهای گوناگونی داشتم مهمتر از همه تربیت فرزندانم بوده چرا که به عنوان یک زن سرپرست خانواده لازم بود هم مهر مادری و هم نقش پدر را ایفا کنم. احساس می‌کنم با لطف و عنایت خداوند از این کار سربلند بیرون آمده‌ام.





با فرآیند گردش کار و چگونگی انجام فعالیت‌ها را ندارند. وی افزود: من در آن ۵ سال طلبگی می‌کردم. طلبگی با کار کردن متفاوت است؛ طلبه تنها با هدف یادگیری کار می‌کند و سختی‌ها را بدون هیچ ادعایی تحمل می‌کند.

پس از مدتی خانم اسفرجانی بر نحوه انجام کار در حدی مسلط شد که مدیریت آتلیه شرکت را بر عهده گرفت. تسلط او بر کار از یک سو و تغییر استراتژی کلان شرکت به سمت تبلیغات بیلبوردی از دیگر سو سبب شد تا وی تصمیم بگیرد کسب و کار مستقلی راه اندازی کرده و در همان بخش بود علاقه خود یعنی سازماندهی و برنامه ریزی تبلیغات فعالیت نماید.

او تصمیم خود را با رئیسش در میان گذارد و در سال ۱۳۷۱ برای راه اندازی کسب و کار جدید مبلغی در حدود یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان از اعضا خانواده اش قرض نموده و توسط آن سه دستگاه کامپیوتر کاملاً مجهز خریداری نمود.

از آنجا که در ابتدای راه تنها دارایی اش تجهیزات کامپوتری بود، تمام آنها را در بزرگترین اتاق خانه

در آن زمان خانم اسفرجانی یک همکار داشت و یک نفر هم به عنوان پیک با آنها همکاری می‌کرد. پس از حدود ۸ ماه موفق شد تا محلی را به عنوان دفتر خریداری کند. دفتر جدید زیر زمین کوچکی بود که به علت مشکلات عدیده آن مکان پس از گذشت یک سال و نیم به اجبار ناچار به جابه جایی شد.

مسیر توسعه

به تدریج امکان مالی شرکت به حدی رسید که قادر به اجاره دفتری برای خود باشد. در آن دوران شریک اصلی او که تاکنون نیز وی را همراهی کرد به شرکت پیوست. وی گفت: در سال ۱۳۷۴ زیرزمینی را برای شرکت اجاره کرده به آنجا نقل مکان کردم و در محل جدید به واقع بنای توسعه شرکت داروگ پایه ریزی شد چرا که با حدود ۷ نفر وارد آن محل شده و با نزدیک به ۲۰ نفر از آنجا خارج شدیم. به تدریج این شرکت توانست خود را به عنوان یکی از مطرح ترین موسسات تبلیغاتی کشور اثبات کند و در حال حاضر یکی از بزرگترین آژانس های تبلیغاتی با خدمات کامل در ایران است که کلیه مراحل مربوط به ایجاد، احیا

شهرزاد اسفرجانی:

در ابتدای کار امکان ورود من به عنوان یک زن در برخی حوزه ها میسر نبود اما در حوزه ای که وارد شده و نقشی خود را درست و حرفه ای انجام می‌دادم احترام مضاعفی گذاشته می‌شد. یعنی گاه برخی درها به روی من گشوده بود که برای دیگران بسته بود.

تجربه کارآفرینی در مطبوعات

پونه ندایی - صاحب امتیاز و مدیر مسئول مجله شوکران و موسس انتشارات امروز - به عنوان آخرین کارآفرین این همایش به جایگاه دعوت شد. شعر و هنر، آموزه های دوران کودکی اش بود. در هیجان سن هیجده سالگی سرودن شعر را آغاز کرد. در تب و تاب دوران دانشجویی، اندیشه تأسیس نشریه را تحقق بخشید و در گام بعدی به شوکران رسید. سختکوشی او را به عرصه نشر کشانید و ایده اش را در این صنعت نیز به نهادی نو تبدیل ساخت.

مسیر کودکی تا حضور در دانشگاه

در سال ۱۳۵۳ در تهران متولد شد. خانم ندایی تنها فرزند خانواده است. از دوران کودکی توسط پدرش با اشعار شاعران کهن و نو آشنا شده، از نوجوانی نقاشی می‌کرد و از همان دوران بسیار کتاب می‌خواند. در رشته و زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه شهید بهشتی درس خوانده است. او از ۱۸ سالگی چنان به سرودن شعر گرایش پیدا کرد که از نقاشی صرف نظر کرد. او گفت: حس کردم می‌توانم با کلمات نقاشی بکشم و هنوز هم تصویر در اشعار جایگاه مهمی دارد.

خانم ندایی در دوران تحصیل در دانشگاه درصدد انتشار یک مجله دانشجویی بر آمد. خود در این باره گفت: یک روز پاییزی هنگام گذر از زیر درختان سپیدار پاییز زده دانشگاه به پوستر یک کانون ادبی دانشجویی برخورد کردم که در آن از دانشجویان دعوت شده بود تا برای ترجمه کتاب‌های مهدی آذر یزدی به گروه ترجمه بپیوندند. آشنایی با این کانون مرا به فکر تأسیس نشریه ای ادبی که دانشجویان آن را اداره کنند، انداخت.

او ایده خود را در کلاس با همکلاسی هایش در

وی جدیت، میزان تسلط به کار، دانش حرفه‌ای، تجربه و آراستگی ظاهر را از شروط لازم برای پذیرفته شدن در مجامع حرفه ای دانست و گفت: هر چه زنان موازین جامعه را رعایت کرده و مطابق آنها حرکت نمایند بیشتر مورد پذیرش قرار خواهند گرفت. خانم اسفرجانی با اشاره به عوامل موفقیت خود گفت: چون اکثر جامعه، زنان را به خوش سلیقه‌گی می‌شناسند چنانچه ثابت کنیم دید حرفه‌ای نیز کنار سلیقه خوش وجود دارد اعتماد مشتریان جلب خواهد شد.

او عمده ترین مشکل شرکت های تبلیغاتی را نداشتن مشتریان مداوم دانست و گفت: متأسفانه در کشور ما با تغییر مدیریت تمام استراتژی‌های شرکت شامل روش‌های بازاریابی و تبلیغات و... تغییر می‌کند و از این رو گاه شرکت های تبلیغاتی نو پا به شدت ضربه می‌خورند.

او وجه تمایز خود را با شرکت های مشابه، در استفاده از مشاوران و تمکین از نصایح آنان عنوان کرد و گفت: شرکت ما از روز اول که جثه کوچکی داشت، مشاوران کوچکی داشت و اکنون که بزرگ شده از مشاوران نام آور استفاده می‌کند چرا که از ابتدا می‌دانستم با بسیاری از مسائل مربوط به مدیریت آشنایی ندارم و لازم است از نظرات اهل فن استفاده کنم.

وی نگاه به آینده و پیشرو بودن در استفاده از تکنولوژی و دانش جدید را از دلایل موفقیت خود بر می‌شمارد. از نظر خانم اسفرجانی هم اکنون در حوزه تبلیغات شرایط کاری مناسبی برای تازه واردان فراهم است و چنانچه جوانان علاقمند نسبت به بالا بردن سطح دانش و آگاهی خود بکوشند و بر مهارت های شخصیتی چون صبر و شکیبایی، کنترل خشم و... بیفزایند، می‌توانند در این حوزه موفق شوند.

و تداوم نام های تجاری سازمان های مختلف را انجام می‌دهد.

بالاخره در سال گذشته با مشارکت شریک خود و با استفاده از امکان وام، دفتر جدیدی را خریداری نمود. در حال حاضر ۶۲۰ نفر کارمند تمام وقت و پاره وقت در این شرکت فعالیت می‌کنند. در سال ۲۰۰۳ بخشی از سهام شرکت به وسیله یک گروه بین المللی خریداری شد بدین وسیله شرکت داروگ اکنون عضو یک شبکه بزرگ بین المللی است. او علاوه بر فعالیت در کسب و کار خود، مدرس و مشاور انجمن صنفی طراحان گرافیک است و حدود ۱۵ مقاله تخصصی نیز به چاپ رسانیده است.

چالش ها و راهکارها

به باور خانم اسفرجانی هر چند فرهنگ ما محدودیت‌هایی برای زنان وجود دارد اما باید دانست که در عین محدودیت احترام ویژه ای به آنان گذاشته می‌شود. وی گفت: در ابتدای کار امکان ورود من به عنوان یک زن در برخی حوزه ها میسر نبود اما در حوزه ای که وارد شده و نقشی خود را درست و حرفه ای انجام می‌دادم احترام مضاعفی گذاشته می‌شد. یعنی گاه برخی درها به روی من گشوده بود که برای دیگران بسته بود.

مستقر کرد آنجا را تبدیل به دفتر کار خود نمود. با تبدیل حمام کنار اتاق به تاریخخانه دفتر کوچک لابراتوار نیز مجهز شد. اولین مشتریان این دفتر نوپا برخی مشتریان شرکت قبلی بودند که با توافق رئیس آن شرکت کارهای خود را به وی سفارش می‌دادند. او در این باره گفت: از آنجا که کارهای این مشتریان را من انجام می‌دادم و آنها دوست داشتند که خودم کار را ادامه دهم به سراغ آتلیه کوچک ما آمدند و بدین ترتیب هسته اولیه شرکت داروگ در سال ۱۳۷۰ شکل گرفت.

او از دوره ای که آتلیه را در خانه مستقر کرده بود به عنوان یکی از سخت ترین دوران کاری خود یاد کرد و افزود: حفظ تعادل میان کار و زندگی خانوادگی مسلماً اولین مسأله ای است که هر زن شاغل با آن روبرو است. وقتی فرد شاغل از خانه خارج می‌شود می‌تواند مسائل مربوط به خانه را برای مدتی کنار بگذارد و وقتی به خانه بازمی‌گردد مسائل کاری را فراموش می‌کند ولی ایفای همزمان دو نقش در یک مکان کار دشواری بود به خصوص اینکه دخترم که در آن زمان تازه به مدرسه رفته بود پس از بازگشت از مدرسه علاوه بر احتیاج به فضایی برای بازی، از من انتظار داشت که با او در خواندن درس هایش همراهی کنم.

پونه ندایی:

آنچه برای من بیش از هر چیز اهمیت دارد، تزکیه نفس و روح است و دوست ندارم به کسب و کارم وابسته باشم، ماندگاری را در درون خود جستجو می‌کنم و هر لحظه که فکر کنم مطبوعات و حتی شعر مرا به تعالی نمی‌رساند حاضرم همه آنها را کنار بگذارم و از نو شروع کنم.

میان گذاشت اما کسی از او استقبال نکرد، گویی کسی باور نداشت که دانشجویان هم می‌توانند نشریه چاپ کنند از این رو به صرافت افتاد تا شخصاً نشریه‌ای منتشر کند. در مهر ماه ۱۳۷۴، ویژه‌نامه‌ای برای سهراب سپهری تهیه نمود و اسم نشریه را "نگاه تازه" گذاشت. او ادامه داد: تمام مطالب را خودم تهیه نمودم اما برای این که همه آن‌ها به نام خودم نباشد با هماهنگی همکلاسی‌هایم نام آنها را در پای مقالات گذاشتم. وی کار تایپ و صفحه بندی مطالب را شخصاً انجام داد. در نهایت ورق‌های فتوکپی شده مجله را مانکنه کرد و در دانشکده ادبیات هر کدام را به قیمت ۱۰۰ تومان به فروش رساند. او گفت: با خوشحالی از تهیه این مجله و بی‌خبر از همه جا، در مقابل دانشکده شروع به فروش آنها کردم، غافل از اینکه کار من غیر قانونی است و از این رو بازخواست و سرزنش شدم. در آن زمان هیچ قانونی برای مطبوعات دانشجویی وجود نداشت، او از طریق گفت و گو با مسئولان دانشگاه آنان را متقاعد به تهیه آیین‌نامه نشریات داخلی کرد. وی تصریح کرد: تمام شماره‌های نشریه اول به سرعت به فروش رسید و توجه دانشجویان را به سمت خود جلب کرد. نماینده مقام معظم رهبری در دانشگاه از این نشریه استقبال کرد زیرا این اطمینان را داشت که من کار علمی و دانشجویی را بر جنجال‌ها ترجیح می‌دهم. او گفت: این مجله نخستین نشریه تمام دانشجویی بعد از انقلاب است. در دوران دانشجویی ۱۸ شماره نشریه با نام "نگاه تازه" را در دانشگاه به انتشار رساند و چند شماره آخر این نشریه را در ۲۰۰ صفحه و دو زبانه به صورت فارسی و انگلیسی چاپ نمود. تجربه انتشار دانشجویی باعث آشنایی خانم ندایی با نحوه انتشار مجله از نظر فنی و هنری شد و منجر به آشنایی او با نام آوران حوزه ادبیات گشت. بعد از اتمام دوره دانشجویی از آنجا که او دیگر دانشجو نبود و نمی‌توانست سردبیر نشریه دانشجویی باشد و از طرفی دیگر فضای دانشگاه را برای خود کوچک می‌دید در صدد راه اندازی یک نشریه ادبی-هنری مستقل برآمد. وی در این مورد اذعان داشت: در سال ۱۳۷۶ و به محض اینکه مدرک فارغ التحصیلی خود را گرفتم به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رفتم و تقاضای انتشار نشریه ادبی شوکران را دادم. البته چهار سال طول کشید تا مجوز نشریه را بگیرم.

راه جدید

او از ۱۸ سالگی اولین درآمد خود را از طریق خیاطی به دست آورد. مادرش به طور حرفه‌ای به کار خیاطی می‌پرداخت و او نیز گاه در کارها به مادر کمک می‌کرد. از دوران دانشجویی همکاری خود را با برخی از مجلات به صورت حق التحریری آغاز کرد. خانم ندایی اظهار داشت: منبع درآمد اصلی من تا ۳ سال پیش از محل خیاطی بود و درآمد حاصل از آن برای انتشار مجله و جبران ضررهای آن صرف می‌کردم. پس از ۴ سال تأخیر، مجله شوکران مجوز انتشار گرفت او به زعم خود در طی آن ۴ سال بی‌کار ننشسته و به عنوان نویسنده و خبرنگار با روزنامه‌ها و نشریات مختلف همکاری می‌کرد و به نحوی ارتباطات خود را گسترش داده بود که در سال ۱۳۸۱ اولین شماره نشریه شوکران را با مقالات و نوشته‌های بزرگان حوزه ادب و هنر منتشر ساخت. وی مشکلات مالی را اصلی‌ترین چالش دوران شروع کار حرفه‌ای خود عنوان کرد و افزود: گاه برای پاس شدن یک چک، شیان روز خیاطی می‌کردم. گاهی اوقات توپ‌های پارچه را از بازار می‌خریدم و یک تنه سری دوزی می‌کردم اما بعد از اینکه مجله منتشر می‌شد نفس راحتی می‌کشیدم و انرژی رفته خود را باز می‌یافتم. او استقامت و پشتکار خود را اصلی‌ترین عامل موفقیت دانست.

مسیر توسعه

پس از چندی، مجله شوکران به یکی از مجلات مطرح عرصه فرهنگ و ادب تبدیل شد. او تلاش بسیاری برای حفظ سطح ادبی مجله کرده است به طوری که خاطر نشان ساخت: از ابتدا نگر داشتند مجله در سطح حرفه‌ای برایم بسیار اهمیت داشت. هم اکنون پس از گذشت ۶ سال از انتشار، مجله شوکران به تیراژ قابل توجهی دست یافته به طوری که صاحبان صنایع و ناشران برای چاپ آگهی با دفتر مجله تماس می‌گیرند و به سطح قابل قبولی از درآمد زایی رسیده است. او دو سال پس از آغاز انتشار مجله، نسبت به تأسیس یک موسسه انتشاراتی ترغیب شد و سال ۱۳۸۳ نشر امروز را راه اندازی کرد. این انتشارات تاکنون ۱۰ عنوان کتاب را به چاپ رسانده است. وی در این رابطه گفت: نقطه ضعف من این است که به علت وسواسی که در کیفیت انجام کار دارم به راحتی نمی‌توانم با دیگران کار کنم به ویژه این که به خاطر تجربه حرفه‌ای خود بر روال انجام امور با هزینه کم و کیفیت مناسب مسلط هستم و قادرم کار را به نحو

احسن انجام دهم. از دیگر سو، هنوز توان مالی مجله به حدی نرسیده که بتواند کارمندان زیادی استخدام نماید، در حال حاضر چند نفر به صورت پاره وقت برخی از کارهای مربوط به تایپ، حمل و نقل و غیره را برای مجله انجام می‌دهند. خانم ندایی عقیده دارد درآمد حاصل از کار فرهنگی باید در حوزه فرهنگ سرمایه‌گذاری شود و از این رو در نشر امروز می‌کوشد تا از آثار هنرمندان با استعدادی که سرمایه مالی ندارند حمایت کند.

چالش‌ها و ابتکارات

او همزمان دبیر سرویس ادب و هنر و مدیر فنی روزنامه همبستگی نیز است. وی ادامه داد: حضور در روزنامه وقت زیادی از من می‌گیرد. وی در بلند مدت قصد دارد با تقویت بنیه مالی، همه توان خود را بر روی دو موسسه گذارده و فعالیت‌های داخلی و خارجی آنان را گسترش دهد. به عقیده وی تنگنای مالی و مشکلات حاکم بر اوضاع فرهنگی جامعه دو مانع اصلی بر سر راه توسعه فعالیت‌های فرهنگی است. به باور وی در حال حاضر نشر در وضعیت بدی قرار دارد و طراحی برنامه‌های بلندمدت برای فعالان این حوزه غیرممکن است.

خانم ندایی در ابتدا برای برقراری ارتباط با برخی مشاغل مرتبط با حوزه کار خود مانند چاپخانه‌ها، کاغذ فروشی‌ها و... به عنوان یک دختر جوان مشکلاتی داشته به نحوی که اکثراً او را جدی نمی‌گرفتند، اما با استقامت و برخورد حرفه‌ای که از او همواره مشاهده می‌شود توانسته به سرعت ارتباط مناسبی با همکاران مرتبط با حوزه نشر برقرار کند.

وی گفت: تلاش نمودم تا توانایی خود را از نظر حرفه‌ای اثبات کنم و در حساب و کتاب‌های

مالی، خوش حساب باشم، این دو عامل کمک کرد تا رفته رفته در محیط مردانه نیز پذیرفته شوم. به عقیده وی در حوزه فرهنگ فرصت‌های کاری فراوانی برای علاقه‌مندان وجود دارد و اگر کسی می‌خواهد در این حوزه موفق شود باید به مهارت و تخصص خود بیافزاید به نحوی که یک سر و گردن از بقیه بالاتر باشد. او دانستن زبان خارجی را برای پیشرفت در حوزه فرهنگ بسیار ضروری می‌داند. به زبان انگلیسی و ترکی مسلط است و تا حدودی فرانسه و عربی نیز می‌داند.

خانم ندایی که اکنون مشاور رسمی مرکز اسلامی-عربی کره است. در زمینه فعالیت‌های فرهنگی خود در خارج از کشور اظهار داشت: این مسئولیت تازه امکان آن را به من می‌دهد تا نهادهای فرهنگی کشورمان را به این مرکز بین‌المللی که کشورهای جهان اسلام عضو آن هستند متصل کنم و امیدوارم در جهانی شدن ادبیات و هنر ایرانی از طریق مرکز کره ای سهمیم باشم. خانم ندایی خاطر نشان ساخت: آنچه برای من بیش از هر چیز اهمیت دارد، تزکیه نفس و روح است و دوست ندارم به کسب و کارم وابسته باشم، ماندگاری را در درون خود جستجو می‌کنم و هر لحظه که فکر کنم مطبوعات و حتی شعر مرا به تعالی نمی‌رساند حاضرم همه آنها را کنار بگذارم و از نو شروع کنم.

میزگرد بررسی چالش‌ها و فرصت‌های کارآفرینی در عرصه فرهنگ و هنر

در پایان همایش میزگردی با حضور پروین صدقیان - مدیر عامل انتشارات گل آذین، فخر





۳- از آنجا که فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی در جامعه ما از نظر حساسیت‌های عمومی و نیز اثرگذاری سلیقه‌های مختلف در سطوح کارگزاران فرهنگی نسبت به سایر بخش‌ها از آسیب‌پذیری بیشتری برخوردار است از این رو مسوولیت‌های عناصر موثر در این مقوله بویژه کارگزاران دولتی بس سنگین و با اهمیت است و هوشیاری جدی آنان را می‌طلبد.

۴- ترویج کارآفرینی فرهنگی زنان مستلزم ایجاد شبکه‌ای از صاحبان ایده‌های نو و کارآفرینان عرصه فرهنگ و هنر است، تشکل‌های حرفه‌ای مرتبط در این زمینه نقش بس مهم دارند، انجمن زنان مدیر کارآفرینان به سهم خود آمادگی خود را جهت حضور موثر در ایجاد و توسعه شبکه زنان کارآفرین فرهنگی اعلام می‌دارد.

۵- در این برهه حساس جهت حضور در جامعه جهانی از زنان کارآفرین کشور در عرصه فرهنگ و هنر در اشتغال تجربیات و تداوم بخشیدن به جریان کارآفرینی فرهنگ و فرهنگ کارآفرینی انتظار حضور فعال و موثر بیش از آنچه در گذشته وجود داشته است را داریم.

زنان است، چهارمین همایش سالانه خود را با علم به اهمیت نقش کارآفرینان در توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران به کارآفرینی فرهنگی اختصاص داد. حضور روبه رشد زنان در این عرصه و نیز فرصت‌های قابل کشف و تبدیل به کسب و کارهای جدید در بخش فرهنگ و هنر پایبندی این انجمن را به مقوله کارآفرینی فرهنگی زنان افزون نمود و البته این نخستین گام در زمینه کارآفرینی فرهنگی زنان است. در این راستا توجه به نکات زیر ضرورت خاص می‌یابد:

۱- ایران به عنوان یک گنجینه غنی فرهنگ و تمدن در تاریخ زندگی بشر فرصت‌های فراوانی را در خویش نهفته است که با ایجاد فضای رشد یابنده رو به گسترش و تعالی جو امکان حضور موثر صاحبان ایده‌های خلاق و نو آور در بهره‌برداری از این فرصت‌ها را فراهم خواهد آورد.

۲- امکان‌پذیری فعالیت‌های کارآفرینی و ایجاد کسب و کارهای جدید و اشتغالزای بویژه برای زنان در بخش فرهنگ و هنر اقتضای آن را دارد که ترویج کارآفرینی فرهنگی زنان در برنامه‌های توسعه ملی به طور خاص منظور نظر قرار گیرد.

است و در طی مسیر با موانع متعددی روبرو هستید، وقتی یک کتاب را باز می‌کنید مطمئن باشید این کتاب محصول تلاش تعداد زیادی از افراد است از حروفچین گرفته تا صفحه‌آرا، طراح جلد، لیتوگرافی، چاپخانه و... فرصت‌های بی‌شمار شغلی را برای افراد به وجود می‌آورد که بسیار مهم است.

چینستایثربی هم اظهار داشت: تنها چیزی که باعث شده زنان کارآفرین تا این مرحله برسند، سماجت و خستگی‌ناپذیری است. کارگردان تئاتر شدم که موقعیت بچرخد، امروز ممکن است این امکان را به بازیگر بدهم و فردا ممکن است بازیگر سوژه‌ای در اختیارم قرار دهد. این ارتباط دوجانبه یعنی امکان کار کردن با خانم‌ها و برای خانم‌ها بسیار مهم است. نکته دیگر اینکه همیشه بهترین و ساعی‌ترین دانش‌آموزان، دختران هستند از لحاظ اخلاق، درس، نمره پس چرا این‌ها را در جامعه کمتر می‌بینیم؟ شاگردان ممتاز کجا هستند؟ در ریاست‌ها و مراکز تصمیم‌گیری‌ها نیستند، چرا؟ بارها همه زنان نه شنیدیم، پشت در ریاست‌ها ماندیم اما خسته نشدیم.

پروین صدیقان گفت: کار نشر دشوار است و حتماً باید با تخصص وارد آن شد شناخت کار، هدف داشتن بسیار مهم است. باید بدانند برای چه وارد این رشته می‌شوند، اگر فقط به این فکر کنند که با نشر کار تجاری راه بیندازند نمی‌توانند موفق باشند. نشر کاری است که حداکثر سرمایه را به خود اختصاص می‌دهد و باید کلی کار جانبی انجام دهید تا بتوانید از عهده مخارج آن بآید.

من که کار نشر را شروع کردم فکر می‌کردم با چاپ یکی دو کتاب می‌توانم سومی را چاپ کنم اما بعدها به این نتیجه رسیدم که پس از مدت‌ها باز هم درآمدی ندارد و باید کار دیگری در کنار نشر انجام دهم. نشر بازگشت سرمایه ندارد کسانی که می‌خواهند وارد شوند باید از اول فکر کنند که هدفشان از ورود به میدان چیست، اگر هدفشان بهبود وضعیت اقتصادی است به آن نخواهد رسید، هدف فرهنگی هم فقط نمی‌تواند جایگزین شود. در مقاطعی وزارت ارشاد تصمیم گرفت یکسری کمک‌های یارانه‌ای به ناشرین اختصاص دهد که در سال اخیر این یارانه‌ها قطع شده است و هیچ کمک خاص به ناشرین صورت نمی‌گیرد. ناشرین فقط روی پاهای خود هستند و ادامه می‌دهند.

چینستایثربی در ادامه خاطر نشان ساخت: به استعداد سالاری معتقد نه جنسیت سالاری. ما زنان بسیار توانمندیم، جامعه باهوشی هستیم اما هوش تنهایی کافی نیست باید تلاش کنیم، باید استعداد سالاری را قبول داشته باشیم. هرکس در هر کاری ماند تئاتر، سینما، ادبیات، طراحی صنعتی، نشر و... توانمندتر است موفق تر خواهد بود، درود بر زنانی که مادر و مسئول خانواده هستند اما دست دیگران را می‌گیرند برای اینکه در موفقیت جامعه شرکت کنند. این قابل احترام است.

بیانیه همایش:

انجمن زنان مدیر کارآفرین کشور در راستای تحقق هدف اصلی خود که همانا ترویج کارآفرینی

السادات محتشمی پور - مدیر اجرایی همایش و چینستایثربی - کارگردان تئاتر- در مورد چالش‌ها و فرصت‌های کارآفرینی در عرصه فرهنگ و هنر برگزار شد.

ابتدا مدیر اجرایی انجمن گفت: هدف اصلی ما از برگزاری چنین همایش‌هایی در درجه اول ترویج فرهنگ کارآفرینی است و چون کارآفرینی در حوزه فرهنگ به نسبت سایر حوزه‌ها مانند صنعت، تجارت و سایر بخش‌ها ناشناخته مانده و کمتر مطرح گردیده است، فکر کردیم ضرورت دارد در این رابطه امسال کارآفرینی فرهنگی را مورد بررسی قرار دهیم و کار آفرینان فعال در این بخش را معرفی نماییم. در عین حال با توجه به چالش‌های موجود بر سر راه فرهنگ و بطور مشخص کارآفرینی فرهنگی و بحث زنان، چالش‌های خاص خود را دارد، مجموعه این عوامل موجب می‌شود چالش‌های حوزه فرهنگ بیشتر باشد و صدمات بیشتری را به کسانی که در این عرصه هستند وارد کند.

نکته بعدی اینکه بالاخره متولی فرهنگ در جامعه ما کیست؟ فرهنگ با همه گستردگی‌ها و اهمیتی که دارد مشخص نیست که چه نهادی متولی آن است. تصور کردیم باید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باشد. معمولاً از زمان گذشته در دستگاه‌های دولتی دفاتری به عنوان دفتر امور بانوان وجود داشته که به طور طبیعی باید در بحث زنان فعال باشد و برنامه‌ریزی داشته باشند و به نوعی منتقل‌کننده تمام مشکلات و مسائل که در این حوزه‌ها بر زنان می‌گذرد، باشند.

تلاش کردیم خانم اصلاان پور - مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی - را در این زمینه میزگرد داشته باشیم که به سختی توانستیم جواب منفی را از ایشان بگیریم زیرا برای ما بسیار اهمیت داشت که جواب بگیریم. قرار بود در این میزگرد خانم شهلا شرکت -مدیر مسئول مجله زنان - هم حضور داشته باشند که با توجه لغو امتیاز مجله زنان و مسائل موجود ممکن بود از اهداف میزگرد دور شویم و از حضور در این برنامه عذر خواهی کردند. خانم شهلا لاهیجی و خانم منیژه حکمت هم قرار بود حضور داشته باشند که به دلیل مسافرت خارج از کشور نتوانستند به میزگرد بیایند.

پروین صدیقان هم گفت: از سال ۱۳۷۹ کار را شروع کردم قبل از آن مدیرمسئول چندین موسسه بوده ام بعد از آن چند سالی کارم با وقفه مواجه شد و سپس کار را با نشر شروع کردم. تصمیم گرفتم که به وزارت ارشاد بروم و مجوز تأسیس انتشارات را اخذ کنم با مسائل و مشکلاتی مواجه بودم اما سرانجام توانستم مجوز بگیریم. به دلیل علاقه به رشته جامعه‌شناسی و تحصیل این رشته در دانشگاه تهران، کارم را از انتشار کتاب‌های اجتماعی و مسائل زنان شروع کردم. اولین کتاب‌هایم در مورد حقوق زنان منتشر شد که مورد استقبال هم قرار گرفت با توجه به اینکه انتظار نداشتم یک انتشاراتی تازه تأسیس چنین مورد توجه قرار گیرد زیرا همانطور که می‌دانید ۸ هزار ناشر در کشور داریم که البته همگی فعال نیستند و فکر می‌کنم ۴۰۰-۳۰۰ ناشر زن داریم. کار نشر کار دشواری

چینستایثربی:

به استعداد سالاری معتقد نه جنسیت سالاری. ما زنان بسیار توانمندیم، جامعه باهوشی هستیم اما هوش تنهایی کافی نیست باید تلاش کنیم، باید استعداد سالاری را قبول داشته باشیم. هرکس در هر کاری ماند تئاتر، سینما، ادبیات، طراحی صنعتی، نشر و... توانمندتر است موفق تر خواهد بود